



شورای عالی حوزه علمیه خاوران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان اصفهان

موضوع:

تبیین فرهنگ فاطمی در خانواده

استاد راهنما:

سرکار خانم داودی

استاد داور:

سرکار خانم منائی

پژوهشگر:

زهره علی نجی نیا

تابستان ۱۳۹۴

بسمه تعالی

تحقیق پایانی با موضوع :

که توسط پژوهشگر محترم سرکار خانم: زهره علی نجی نیا

برای دریافت دانشنامه سطح دو (کارشناسی) تدوین شده است ، توسط هیأت داوران مورد ارزیابی قرار

گرفته و در تاریخ / / ۱۳۹۰ ، با کسب رتبه
.....

پذیرفته شده است.

استاد راهنما: سرکار خانم داودی

استاد داور:

مدرسه علمیه:

امضاء مدیر و مهر مدرسه



شورای عالی حوزه علمیه خاوران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان اصفهان

موضوع:

تبیین فرهنگ فاطمی در خانواده

استاد راهنما:

سرکار خانم داودی

استاد داور:

سرکار خانم منائی

پژوهشگر:

زهره علی نجی نیا

تابستان ۱۳۹۴

تقدیر و تشکر

در ابتدا از زحمات شبانه روزی و دلسوزانه موسس محترم حوزه علمیه نرجس خاتون (سلام الله

علیها) حضرت آیت الله ناصری (دامت برکاته) کمال تقدیر و تشکر را دارم.

در ادامه از راهنمایی‌های مدیریت محترم حوزه سرکار خانم ناصری، و معاون پژوهش سرکار

خانم زمانی و استاد راهنمای این پایان نامه خانم داودی سپاس و قدردانی می‌نمایم.

و در پایان از زحمات خانواده عزیزم، که در طول این پایان نامه، شرایط رشد و پیشرفت من را

فراهم نمودند، کمال تشکر را دارم.

به امید توفیق روز افزون این بزرگواران

تقدیم به:

همسرم که در سایه همیاری و همدلی او به این منظور نائل شدم. امید بخش جانم که آسایش او آرامش من است.

چکیده

همانطور که برای بهتر رسیدن به علوم طبیعی به الگو نیازمندیم برای رسیدن به یک تربیت روحی و اخلاقی و به طور کلی برنامه انسان سازی نیز به الگو نیازمندیم که در این راستا الگوگیری انسان در خانواده اهمیت ویژه ای خواهد داشت. چرا که خانواده عنصر اصلی یک جامعه و همچنین عنصر اصلی برای انتقال فرهنگ از یک نسل به نسل دیگر می باشد و می توان به صراحت بیان کرد کامل ترین الگوها ائمه اطهار (علیهم السلام) هستند که کامل ترین انسان ها می باشند و از میان تمام ائمه (علیهم السلام)، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) به طور خاص می توانند بهترین الگوی خانواده باشند زیرا ایشان برترین زنان عالم هستی می باشند. بانویی با عظمت و بی نظیر که به حق می توان با شخصیت ترین، اجتماعی ترین و در عین حال عقیف ترین انسان دانست که بهترین سرمشق و الگودر تمام راه و رسم زندگی می باشند، بنابراین فرهنگ فاطمی در خانواده در روابط بین همسران و روابط والدین با فرزندان را تبیین نموده و از آنجا که معنویت در خانواده از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، نمونه هایی از سیره ایشان در حاکم کردن معنویت در خانواده نیز ذکر شد. تا شاید گامی در جهت بسط و گسترش و احیای ارزش های اصیل اخلاقی و سیره ی عملی آن حضرت (علیها السلام) در ابعاد مختلف رفتاری و عملی برداشته و با الگو گرفتن از ایشان در عرصه خانواده، خانواده ای نمونه و موفق داشته باشیم. از جمله یافته های این تحقیق این است که در روابط بین همسران مشخص می شود که همسر نمونه، همسری است که ساده زیستی، پرهیز از تجملات، رازداری، ادب و احترام به همسر خود را سرلوحه زندگی خویش قرار دهد. همچنین در روابط والدین با فرزندان، مادری نمونه مادری است که به تمام نیازهای جسمی، عاطفی، روحی و عبادی فرزند خود توجه کند و همچنین یک زن می تواند در خانواده خویش با توجه به عبادات خود که شامل نماز، دعا و روزه می شود می تواند معنویت را در خانواده حکم فرما کند که می توان حضرت زهرا را بهترین همسر و مادر در همه ابعاد دانست.

کلیدواژه ها: فرهنگ، فرهنگ فاطمی، خانواده، حضرت فاطمه (سلام الله علیها).

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
بخش اول: کلیات و مفاهیم	
فصل اول: کلیات تحقیق	
۱,۱. تعریف و تبیین موضوع	۵
۱,۲. اهمیت و ضرورت تحقیق	۵
۱,۳. اهداف و فوائد تحقیق	۶
۱,۴. پیشینه موضوع تحقیق	۶
۱,۵. سوالات تحقیق	۷
۱,۶. فرضیه تحقیق	۸
۱,۷. روش تحقیق	۸
۱,۸. ساختار تحقیق	۸
۱,۹. واژگان کلیدی	۹
۱,۱۰. محدودیتها و موانع تحقیق	۱۰
فصل دوم: مفهوم شناسی	
۱,۱. مفهوم شناسی وازه تبیین	۱۲

- ۱,۲. مفهوم شناسی واژه فرهنگ..... ۱۳
- ۱,۲,۱. مفهوم لغوی واژه فرهنگ ۱۳
- ۱,۲,۲. مفهوم اصطلاحی واژه فرهنگ ۱۴
- ۱,۲,۳. فرهنگ دینی..... ۱۷
- ۱,۲,۴. رابطه دین و فرهنگ ۱۷
- ۱,۲,۵. فرهنگ اسلامی..... ۱۷
- ۱,۲,۶. فرهنگ فاطمی..... ۱۸
- ۱,۳. مفهوم شناسی واژه خانواده..... ۱۹

بخش دوم: خانواده و فرهنگ فاطمی

فصل اول: فرهنگ فاطمی در روابط بین همسران

- ۱,۱. تحمل مشکلات و ساده زیستی در زندگی..... ۲۳
- ۱,۲. کار و تلاش..... ۲۵
- ۱,۳. رازداری..... ۲۶
- ۱,۴. هماهنگی و اطاعت از همسر..... ۲۷

۱,۵	همراهی و پشتیبانی	۲۸
۱,۶	حاکمیت روح عاطفی	۲۹
۷,۱	روحیه ایثارگری	۳۲
۱,۸	تقسیم کار در زندگی	۳۳
۱,۹	رعایت ادب و احترام	۳۴
۱,۱۰	آگاهی و شناخت	۳۴
۱,۱۱	سازگاری	۳۵
۱,۱۲	آراستگی	۳۶
۱,۱۳	تعریف و تحسین همسر	۳۶

فصل دوم: فرهنگ فاطمی در روابط والدین با فرزندان

۲,۱	توجه به نیازهای کودکان	۴۰
۲,۱,۱	نیازهای جسمی	۴۰
۲,۱,۲	نیازهای عاطفی	۴۲
۱	احترام به فرزندان	۴۲
۲	محبت به فرزندان	۴۳
۲,۱,۳	نیازهای روحی	۴۵

- ۲,۲. توجه به جنبه های عبادی در تربیت ۴۶
- ۲,۳. پرورش روحیه ایثار ۴۷
- ۲,۴. همبازی شدن با کودکان ۴۸
- ۲,۵. تشویق به فراگیری ۵۰
- ۲,۶. آموزش دعا برای دیگران ۵۱
- ۲,۷. آموزش رعایت حقوق به فرزندان ۵۲
- ۲,۸. رعایت عدالت ۵۳
- ۲,۹. ایجاد رقابت بین فرزندان ۵۳
- ۲,۱۰. استفاده از جلوه های هنری در تربیت ۵۴

فصل سوم: فرهنگ فاطمی در روابط فرزندان با والدین

- ۳,۱. رعایت ادب و احترام ۵۷
- ۳,۲. تلاش برای جلب رضایت ۵۹
- ۳,۳. محبت ۶۱
- ۳,۳,۱. مادری برای پدر ۶۵
- ۳,۳,۲. دلسوزی ۶۵
- ۳,۳,۳. برخورد مهرآمیز ۶۷
- ۳,۳,۴. پرستاری ۶۸

۳, ۴. ایثار ۶۸

فصل چهارم: فرهنگ فاطمی در حاکمیت معنویت در خانواده

۴, ۱. اهتمام به عبادات ۷۲

۴, ۱, ۱. نماز ۷۳

۱. داشتن محراب و جایگاه عبادت در خانه ۷۴

۲. لباس و عطر مخصوص نماز ۷۵

۳. خوف و خشوع در نماز ۷۵

۴, ۱, ۲. دعا ۷۶

۱. اهمیت دعا ۷۷

۲. سفارش به دعا ۷۷

۳. دعا برای جسم و روح ۷۸

۴. زمان شناسی و اهمیت به آن در دعاء ۷۹

۵. دعا در حق دیگران ۸۰

۴, ۱, ۳. روزه ۸۲

۱. نذر روزه ۸۳

۲. روزه واقعی	۸۴
۴,۲. معنویت حتی در شب ازدواج	۸۴
۴,۳. رعایت عفت و حیا	۸۶
۴,۳,۱. حیا در نگاه	۸۷
۴,۳,۲. حیا در گفتار	۸۸
۴,۳,۳. حیا در پوشش	۹۰
نتیجه گیری	۹۳
پیشنهادهات	۹۴
منابع و مآخذ	۹۴

مقدمه

استفاده از الگوهای برتر زندگی و پیروی کردن از این الگوها به عنوان یک امر پسندیده مورد پذیرش همه ی انسان های کره خاکی می باشد. هرچند قضاوت یکسانی نسبت به این الگوهای برتر وجود ندارد اما در اصل تأسی و پیروی از این الگوها اتفاق نظر وجود دارد. در بین تمام الگوها و اسوه ها برخی از آن ها به گونه ای خاص نقش آفرینی ویژه ای دارد به طوری که نمی توان نسبت به آن بی اعتنا بود. آثار فراگیر پیروی از این الگو به گونه ای است که کمتر فردی آمادگی دارد که از کنار چنین الگوهایی بی تفاوت بگذرد. یکی از چنین الگوهایی شخصیت ممتاز جهان اسلام حضرت زهرا (سلام الله علیها) می باشد.

اما بررسی و شرح زندگی بانوی اسلام موضوعی نیست که در یک رساله بگنجد و یا از عهده ی کسی برآید. حقیقت شخصیت و ارزش وجودی آن بزرگوار را کسی جز خدای متعال و اولیاء خاص او (صلوات الله علیهم) نمی دانند. اما با این همه مگر نه این است که خاندان نبوت، هادیان خلقتند در زندگی و کلامشان محبت و الگوی انسان ها، پس شناخت و برگرفتن از هدایت آنان در حد امکان وظیفه ای است که سخت به انجام آن نیازمندیم.

زندگی حضرت زهرا (سلام الله علیها) هرچند کوتاه است و به دو دهه نیز نمی رسد اما از بانویی است که به نوشته عارف واصل، حضرت امام راحل (قدس سره) از معجزات تاریخ و افتخارات عالم وجود است. زنی که در حجره ای کوچک و خانه ای محقر انسان هایی تربیت کرد که نورشان از بسیط خاکی تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلی می درخشید. پس می توان گفت جلوه های زندگی این هادی خلق، همواره راهگشا و راهنمایی آنانی بوده است که خواهان هدایت و سعادت بوده اند چرا که موقعیت ممتاز او در خانه ی وحی و عنایت الهی در وصول او به مقام عصمت، ایشان را نه در ردیف زنان بزرگ عالم، که برتر و سرآمد همه ی آن ها قرار داد. توشه

گرفتن از این زندگی توفیقی است که تنها نصیب کسانی خواهد شد که شایستگی مرحمت و لطف الهی را یافته باشند.

جامعه‌ی ما به ویژه بانوان گرامی و به برکت روشن بینی خاصی که انقلاب اسلامی به آنان داده است، از اینکه چنین الگو و راهنمایی را دارند بر خود می‌بالند و در پی فراگرفتن درس زندگی از این بانوی بزرگ اند.

اما گاهی دیده می‌شود در اجتماع خانواده حتی خانواده مذهبی از فرهنگ فاطمی فاصله گرفته اند به نظر می‌رسد که باید قدمی موثر در این رابطه برداشت که بتوان خانواده‌ها را به سوی این فرهنگ سوق داد.

هدفی که نیز این رساله به دنبال پاسخ دادن به آن می‌باشد تبیین ویژگی‌های چنین شخصیتی است. حوزه‌های شناختی این مسئله گسترده و فراگیر است اما آن چه هدف اصلی محقق را شکل می‌دهد تکیه بر ویژگی‌های فرهنگ فاطمی در زمینه خانواده است. تبیین ویژگی‌ها کمک خواهد کرد مسیر رسیدن به الگوی خانواده سالم و بهره‌مند شدن از سبک زندگی را ترسیم کرد.

آنچه در این رساله طی چند بخش و با عنوان «تبیین فرهنگ فاطمی در خانواده» خواهد آمد شامل دو بخش می‌باشد. بخش اول شامل فصل کلیات و فصل دوم مفهوم شناسی می‌باشد و بخش دوم مشتمل بر فصل اول: روابط بین همسران، فصل دوم: روابط والدین با فرزندان، فصل سوم روابط فرزندان با والدین، فصل چهارم، حاکمیت معنویت در خانواده می‌باشد.

از خداوند خواهانیم که توفیق پیروی از آن بانوی بزرگ را به ما عنایت فرماید. صلوات و سلام خداوند تعالی بر آن بانوی بزرگواری که جلوه گاه جمال و جلال و مربی زبندگان اولاد آدم است.

بخش اول: کلیات و مفاهیم

فصل اول: کلیات تحقیق

فصل دوم: مفاهیم

فصل اول: کلیات تحقیق

۱,۱. تعریف و تبیین موضوع

۱,۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

۱,۳. اهداف و فوائد تحقیق

۱,۴. پیشینه موضوع تحقیق

۱,۵. سوالات تحقیق

۱,۶. فرضیه تحقیق

۱,۷. روش تحقیق

۱,۸. ساختار تحقیق

۱,۹. واژگان کلیدی

۱,۱۰. محدودیتها و موانع تحقیق

۱, ۱. تعریف و تبیین موضوع

از مهم‌ترین روش‌ها در تربیت، روش الگویی است، زیرا تأثیر شخصیت الگو در شکل‌گیری رفتار و منش تربیت‌شونده به مراتب بیش‌تر از موارد دیگر است. اسلام نیز به این روش اهمیت زیادی داده است. قرآن هم بخشی از آیات خود را به معرفی مردان و زنان موحّد و ثابت‌قدمی اختصاص داده است که در شرایط گوناگون، صلاحیت و شخصیت خود را بروز داده و حق، محوری خویش را به اثبات رسانده‌اند. از زنان پاک‌دامن و عفیفی چون؛ مریم (سلام الله علیها)، آسیه؛ همسر فرعون (سلام الله علیها)، دختران شعیب و ... که الگوی زنان در شرایط مختلف می‌باشند، تجلیل و ستایش کرده است. از عالی‌ترین الگوهای قابل پیروی برای انسان‌ها به ویژه زنان، حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است و از آنجا که خانواده، عنصر اصلی جامعه می‌باشد، فرهنگ فاطمی را در خانواده بررسی و در روابط بین همسران، والدین و فرزندان، تبیین می‌نماییم و همچنین از آنجا که معنویت در خانواده از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، نمونه‌هایی از سیره ایشان را در حاکمیت معنویت در خانواده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱, ۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

بحث از آن حضرت در شرایط فعلی و تبیین فرهنگ او به دلایل ذیل با اهمیت و ضروری است.

۱. بحث از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بحث درباره زنی است که نقش‌های متعددی را در زندگی ایفا کرده و با این که عمری محدود و کوتاه داشت و دوران زندگی‌اش بسیار اندک بود ولی تاریخ حیاتش به گونه‌ای است که هر ورقه‌ای از آن برای ما و آیندگان درس زندگی است. آن بزرگوار تنها به عصر خود تعلق نداشت بلکه او الگویی جاویدان برای عصرهاست.

۲. بحث از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) به حقیقت بحث درباره مادر است. مادر منشأ اصلاح است و حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) یک مادر است، مادری فداکار برای همه امت، به خصوص برای همه جوانان و انسان‌های آزاده و آماده‌ای که می‌خواهند راه صلاح را در زندگی بپیمایند.

۳. بحث درباره حضرت زهرا (علیها السلام) و معرفی زندگی‌اش برای همگان راه‌گشاست زیرا در عصر ما که عصر گسیختگی عقاید و ایدئولوژی‌هاست برای بدست آوردن هدف روشن و جهت زندگی، عده‌ای مات و مبهوتند. در چنین شرایطی چه بهتر که راه فاطمه (سلام الله علیها) که مورد تأیید دوست و دشمن و دارای جنبه‌های عملی و الگویی است عرضه گردد.

۱, ۳. اهداف و فوائد تحقیق

هدف تحقیق:

آشنایی با فرهنگ فاطمی در خانواده و اعمال آن در زندگی.

فوائد تحقیق:

۱. آگاهی در مورد سبک زندگی فاطمی در خانواده.

۲. تنظیم و تدوین یک طرح منسجم در مورد سبک زندگی فاطمی در خانواده.

۱, ۴. پیشینه موضوع تحقیق

با بررسی در آیات و روایات اهل بیت (علیهم السلام) از اصلی‌ترین و حساس‌ترین نکته‌هایی که باید مدنظر گرفته‌شد خانواده است خانواده نخستین نهاد اجتماعیست که در زندگی جمعی انسان شکل

گرفته و مهمترین نقش را در توسعه و رشد مراحل حیات بشر از ابتدا تا هنوز و تا فرجام زندگی، نسبت به سایر نهادهای اجتماعی داراست.

تبیین فرهنگ فاطمی در نهاد خانواده از مسائل مهمی است که به خلاف اهمیت فوق العاده اش می توان مدعی شد به صورت منسجم و کاربردی کمتر به آن پرداخته شده است.

با مراجعه به کتب مختلف حدیثی و سیره ی معصومین (علیهم السلام)، کتاب هایی در مورد سیره حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) می توان یافت از جمله جلد ۴۳ کتاب ارزشمند بحارالانوار که تاریخ زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام) نقل کرده است کتاب نهج الحیاه از آقای محمد دشتی که به صورت الفبائی به جمع آوری سخنان حضرت (علیها السلام) پرداخته است و کتاب فرهنگ فاطمیه از آقای مهدی نیلی پور که الفبائی شخصیتی حضرت زهرا (علیها السلام) را توضیح داده است. همچنین کتاب هایی مانند زندگانی فاطمه (علیها السلام) از آقای رضا شیرازی و جلوه های رفتاری حضرت زهرا (علیها السلام) از عذرا انصاری و مقاله پیوند جمال فاطمی و جلال الهی مبارک! به این مباحث به صورت مختصر و گذرا اشاره نموده است.

کتاب مقام پدر و مادر در اسلام از زین العابدین احمدی و حسنعلی احمدی فقط به تبیین فرهنگ فاطمی روابط فرزندان با والدین اشاره دارد و به فصول دیگر این نوشتار اشاره نکرده است.

که در هیچ کدام از این کتب و مقالات به طور منسجم و خاص فرهنگ زندگانی ایشان در خانواده تبیین نشده است.

۱,۵. سوالات تحقیق

سوال اصلی:

فرهنگ فاطمی در خانواده چگونه است؟

سوالات فرعی:

۱. فرهنگ فاطمی در روابط بین همسران چگونه است؟

۲. فرهنگ فاطمی در روابط والدین با فرزندان به چه میزان تاثیرگذار است؟

۳. فرهنگ فاطمی در روابط فرزندان با والدین به چه نحوی است؟

۴. فرهنگ فاطمی در مورد معنویت در خانواده به چه صورت است؟

۱,۶. فرضیه تحقیق

به نظر می رسد تبیین فرهنگ فاطمی در بهینه سازی روابط خانواده تاثیرگذار است.

۱,۷. روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی بوده و با توجه به راهبرد، توصیفی – تحلیلی می باشد و از

آنجا که شیوه گردآوری آن از طریق مراجعه به کتب و مقالات بوده، از نوع کتابخانه ای است.

۱,۸. ساختار تحقیق

این رساله علاوه بر مقدمه و نتیجه گیری در دو بخش تدوین شده است که عبارتند از:

بخش اول دارای دو فصل است: فصل اول مبحث کلیات در ده زیر فصل و فصل دوم مفهوم شناسی واژگان کلیدی تحقیق در لغت و اصطلاح روشن گردیده است. بخش دوم خود دارای چهار فصل می باشد: که در فصل اول به تبیین فرهنگ فاطمی در روابط بین همسران از جمله تحمل مشکلات و ساده زیستی، کار و تلاش، رازداری و هماهنگی و اطاعت از همسر پرداخته است. فصل دوم فرهنگ فاطمی را در روابط والدین با فرزندان بررسی کرده و به اموری مانند توجه به نیازهای کودکان، توجه به جنبه های عبادی در تربیت پرداخته است. در فصل سوم به ارتباط حضرت به عنوان فرزند با پدر و مادر اشاره شده است. و روابط فرزندان با والدین از جمله رعایت ادب و احترام و محبت به پدر و مادر بررسی شده، و فصل چهارم به تبیین فرهنگ فاطمی در حاکمیت معنویت بر خانواده در عناوین اهتمام به عبادت، معنویت حتی در شب ازدواج و رعایت عفت و حیاء پرداخته است.

۱,۹. واژگان کلیدی

تبیین: واژه ی تبیین (explanation) به معنای «کنش یا فرایند توضیح و شرح»، «چیزی که شرح و بیان می شود»، «وضوح سازی از بدفهمی ها»، «آشتی»، «تلفیق» و «تطبیق»، ترجمه شده است. اصطلاح تبیین فرایندی است، عقلی-پژوهشی (معرفتی) که براساس دلیل و برهان و به شیوه ای منسجم و منطقی، به بررسی جنبه یا جنبه های گوناگون یک مسئله پرداخته و از پیدایش مسأله ی مجهول یا امر مبهم، به وجود می آید

فرهنگ: فرهنگ نظام پیچیده و پویای اجتماعی است که در روند تکامل وجود اجتماعی انسان برای انطباق و سازگاری هر چه بهتر و بیشتر با محیط طبیعی و اجتماعی و ادامه زندگی هر چه غنی تر،

متعالی تر و خلاق تری از سوی انسان جمعی پرورده می شود و از نسلی به نسل دیگر به عنوان میراثی اجتماعی انتقال می یابد.

فرهنگ فاطمی: فرهنگ فاطمیه مجموعه ای است از زندگانی بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) از زاویه سیره نگاری و الگو پذیری در ابعاد مختلف که می تواند در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی ما موثر باشد.

خانواده: اصطلاح خانواده به گروهی از افراد که روابط «زن و شوهری» یا «پدر و مادر - فرزندی» میانشان وجود دارد اطلاق می شود.

۱۰، ۱. محدودیتها و موانع تحقیق

با عنایت خداوند متعال در طول این نوشتار با مشکل خاصی برخورد نکردم.

فصل دوم: مفهوم شناسی

۱،۱. مفهوم شناسی واژه تبیین

۱،۲. مفهوم شناسی واژه فرهنگ

۱،۳. مفهوم شناسی واژه خانواده

شخصیت و مکتب حضرت زهرا (سلام الله علیها) الهام گر یک اندیشه سازنده برای انسان‌هاست. این اندیشه متعالی و سازنده انسان را به سوی رشد و تعالی و شکوفایی ارزش‌ها و قوای انسانی فرا می‌خواند تا وی برای اسلام و جامعه، فردی و ارزشمند باشد. حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) یک الگوی سنت شکن است؛ سنت‌هایی که به طور غلط در جامعه شایع شده و مردم را اسیر و گرفتار خود کرده است. بنابراین با توجه به اهمیت این مطلب ما در ابتدا به مفهوم شناسی و در ادامه در فصول دیگر به تبیین فرهنگ فاطمی در خانواده می‌پردازیم.

۱.۱. مفهوم شناسی واژه تبیین

واژه ی تبیین (explanation) به معنای «کنش یا فرایند توضیح و شرح»، «چیزی که شرح و بیان می‌شود»، «وضوح‌سازی از بدفهمی‌ها»، «آشتی»، «تلفیق» و «تطبیق»، ترجمه شده است. اصطلاح تبیین فرایندی است، عقلی - پژوهشی (معرفتی) که براساس دلیل و برهان و به‌شیوه ای منسجم و منطقی، به بررسی جنبه یا جنبه های گوناگون یک مسئله پرداخته و از پیدایش مسأله ی مجهول یا امر مبهم، به وجود می‌آید.^۱

«تبیین واژه ای است که در اعصار گذشته نیز کاربرد داشته است؛ اما باید گفت، هدف تبیین از گذشته تا به امروز تغییر یافته است. در قرون وسطی، کند و کاو در تبیین یک پدیده، بر وفق صورت (Form) حقیقی یا ذات معقول (Intelligible Essence) آن و غایتی که [به‌همراه] داشت و هدفی که برمی‌آورد، انجام می‌شد. تجدید مطلع قرن سیزدهمی علم یونان، همراه با سنتز والایی که توماس آکویناس از الهیات مسیحی و فلسفه ی ارسطویی فراهم آورده بود، در قلمرو مسیحیت، راه تازه ای در

۱. محمدحسین جمشیدی، مبانی و روش‌شناسی تبیین (با تأکید بر اندیشه سیاسی)، تهران: انتشارات دانشگاه امام

تبیین طبیعت باز کرده بود؛ که تا قرن هفده بر تفکر غرب چیره بود.^۱ از آن قرن به بعد، در تبیین، تنها میزان همبستگی بین شاخص‌های مبهم تعیین شد. بدین‌شکل، تبیین غایت شناختی (Teleological Explanation) که مختص تفکر قدما بود، جای خود را به تبیین توصیفی (Descriptive Explanation) داد.^۲

۱.۲. مفهوم شناسی واژه فرهنگ

۱.۲.۱. مفهوم لغوی واژه فرهنگ

واژه فرهنگ در زبان‌های مختلف، فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌ها دارای معانی متعدد و گوناگونی است، که بیانگر دلالت‌ها و تعین‌های مختلف و تحولات آن در سیر تاریخی‌اش است. واژه فرهنگ از دو قسم تشکیل شده است، واژه «فر» و «هنگ»، «فر» به معنای «پیشین» و «به سوی» در واژه‌هایی مانند فرسودن، فرمودن و فرسنگ است. و گاهی به صورت «فر» نیز آمده است، چنانکه در «فرا رفتن به کار رفته است».

قسم دوم آن «هنگ» به معنای کشیدن به صورت «هنج» هم در فرهنگ‌های لغت نیز آمده، چنانکه «فرهنگ» به صورت «فرهنج» هم بوده است و مصدر فرهنگیدن، به معنای ادب و تربیت کردن. معنای ریشه‌ای واژه «فرهنگ» پیش کشیدن یا جلو آوردن یا فرا کشیدن است. و در زبان فارسی واژه فرهنگ، بویژه در متن‌های نظم و نثر تا قرن هفتم هجری، به معنای «ادب» بسیار به کار رفته و ادب نیز به معنای اصول و رسم انجام درست رفتار و شیوه‌ی درست زندگانی انسانی است.^۳

۱. باربور ایان، علم و دین، بهاءالدین خرمشاهی، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. محمد حسین پناهی، نظام فرهنگی، کارکردها و دگرگونی آن در ارتباط با بحث تهاجم فرهنگی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، نامه پژوهش، ۱ (۳ و ۲)، ص ۹۲.

فرهنگ به ادب، تربیت - دانش، علم، معرفت - مجموعه آداب و رسوم - مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم^۱ و آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت و نیز به معنای کتاب لغت آمده است.^۲

۱،۲،۲. مفهوم اصطلاحی واژه فرهنگ

فرهنگ نظام پیچیده و پویای اجتماعی است که در روند تکامل وجود اجتماعی انسان برای انطباق و سازگاری هر چه بهتر و بیشتر با محیط طبیعی و اجتماعی و ادامه زندگی هر چه غنی تر، متعالی تر و خلاق تر از سوی انسان جمعی پرورده می شود و از نسلی به نسل دیگر به عنوان میراثی اجتماعی انتقال می یابد، و به عنوان کل تجزیه ناپذیری و شامل خصوصیات روحی و عقلی، باورها، جهان بینی ها، خصلت ها، مهارت ها، اخلاق، رسوم، ارزش ها و معتقدات مذهبی است، برخی فرهنگ را صرفاً در بعد معنوی یا روحيات می بینند و تعریف می کنند همچنين دو روبرتی، جامعه شناس بزرگ روسی «فرهنگ را به منزله مجموعه افکار و معلومات اعم از نظری و عملی می داند»، اما عده ای هم هستند که در تعریف و فهم خود از آن بعد مادی نیز می گنجانند به نحوی که آن را شامل اشیاء و ابزار می گردانند و در این باره روسک و روان می گویند: مردم غالباً فرهنگ را منحصرأ چیزهایی از قبیل هنر، ادب، موسیقی و فلسفه می دانند. با اینکه این گونه چیزها اجزاء فرهنگ محسوب می شوند ولی تمام آن را تشکیل نمی دهند. در دایرةالمعارف فلسفی کنستانتینوف آمده است: مفهوم فرهنگ شامل دو جهت مادی و معنوی است. مفهوم مادی بیان سطح توانایی بشر در رابطه با نیروهای طبیعت است. مفهوم مادی بیان سطح توان بشر در رابطه با نیروهای طبیعت است. فرهنگ مادی بیانگر اعماق درک طبیعت و جامعه وسعت نگرش، اندیشه ترقی خواهانه و دانش آدمی است. مهمترین نشانه ی فرهنگ مادی ابزار کار است. فرهنگ معنوی شامل دستاوردهای جامعه در زمینه اخلاق، هنر، دانش و فلسفه

۱. محمد معین، فرهنگ معین، چاپ دوم، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۸۶، ذیل واژه فرهنگ.

۲. حسن عمید، فرهنگ عمید، چاپ سیم، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴، ذیل واژه فرهنگ.

است. فرهنگ معنوی همچنین بیانگر اندیشه های سیاسی، حقوقی و نیز پیشرفت های سیاسی و روابط حقوقی میان آدمیان است. فرهنگ معنوی برای تشخیص میزان دستاوردها در امر پیشرفت مناسبات اجتماعی، سیاسی و حقوقی به کار گرفته می شود.

فرهنگ عناصری را نیز شامل می شود که علی الظاهر نامحسوس و از طریق مشاهده مستقیم غیرقابل حصول است، و در آنها نه شکل بارز است نه کارکرد و می توان آن را به طور تقریبی و غیر دقیق بخش معنوی فرهنگ توصیف کرد و نیز کارکرد فکر، باور، ارزش و اصل اخلاقی را معین کنیم.^۱

همچنین فرهنگ متشکل از عناصری است یعنی دارای کثرتی است و دارای ساختار پیچیده و در هم تنیده ای است که با قائل شدن به تجزیه پذیری عناصر تشکیل دهنده اش به نحوی که به جدایی آنها از یکدیگر بینجامد ناسازگار است چون چنین وضعی مفهوم و ساخت آن را مختل و آشفته می گرداند. البته تجزیه ناپذیری فرهنگ به معنای یک شکلی، یک رنگی، قالبی و تغییرناپذیری آن نیست. بلکه فرهنگ در عین تجزیه ناپذیری از تنوع و پویایی ساختاری برخوردار است. فرهنگ یک کل تجزیه ناپذیر و پویا را تشکیل می دهد و در این کل متشکل از عناصر متعدد، تغییر و تحول، به دلیل عوامل درونی و برونی، در جزء، اولاً و به سرعت بیشتر، و در کل، ثانیاً اما آهسته، صورت می گیرد و فرهنگ بر اساس چنین فهمی، یعنی کل تجزیه ناپذیر و پویا بدرستی معرف شخصیت فکری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی تاریخی انسان جمعی، یک قوم یا گروه یا ... در یک جامعه بخصوصی، و در بر گیرنده فعالیت های خلاقانه او است.

انگاره فرهنگی:

۱. آر. بی. جی واکر، مقاله مفهوم فرهنگ در نظریه های روابط بین المللی، ترجمه فاطمه ولیانی، مجله نامه

«فرهنگ با آنکه از ویژگی های بسیار گوناگون ترکیب شده است، باز فاقد هرگونه وحدت نیست. فرهنگ همانند جامعه ای که از فرهنگ بهره برداری می کند، پاسخگوی نیازهای گوناگون انسانی است، و همچنان که نیازهای انسانی با یکدیگر ارتباط و تناسب دارند، فرهنگ و جامعه نیز در عین کثرت، از وحدت برخوردارند. اجزای هر فرهنگ موافق ترتیب یا پیکربندی معین به یکدیگر پیوسته اند و انتظامی بین آنها برقرار است. این انتظام که در همه مجموعه های مختلف فرهنگی منعکس می شود مدل فرهنگی یا انگاره فرهنگی نام گرفته است. به این شیوه هر فرهنگی مدل ها یا انگاره های معین دارد و به وسیله آنها از فرهنگ های جوامع دیگر بازشناخته می شود. انگاره های فرهنگی ایجاب می کند که فرهنگ دارای وحدت باشد و حوزه فرهنگی شخصی به وجود آورد.»^۱

«عناصر مختلفی که یک فرهنگ معین را به وجود می آورند صرفاً به صورتی نیست که این عناصر به شکلی ساده کنار هم قرار بگیرند بلکه اتصال هایی آن ها را به هم می پیوندد، انسجام و هماهنگی آن عناصر را به هم متصل می کند و هنگامی که تغییری در یک بخش فرهنگ به وجود آید در بخش های وابسته آن نیز تغییری حاصل می شود این اتصال ناشی از منطقی عقلانی که ضرورت ایجاب می کند نیست بلکه اتصال و ارتباطی است که صرفاً به طور ذهنی توسط اعضاء یک جامعه حس می شود بنابراین انسجام یک فرهنگ وراء همه چیز، یک واقعیت ذهنی است یعنی به طور ذهنی توسط اعضاء یک جمع حس می شود.»^۲

۱. آگیرن و نیمکف، زمینه جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس امیر حسین آریانپور، چاپ پنجم، تهران: افست و فرانکلین، ۱۳۵۰، ص ۱۰۰.

۲. مقاله فرهنگ در گذر زمان و کاربردهای مختلف آن، ۲ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۵، <http://www.tebyan-zn.ir>.

۱،۲،۳. فرهنگ دینی

در یک تعریف کلی از فرهنگ دینی می‌توان گفت: «فرهنگ دینی عبارت است از عقاید، باورها، الگوها، روش و شیوه‌های عمل جامعه‌ای که به یکی از شریعت‌های الهی ایمان دارد و در اعتقادات و اعمال از پیامبر خدا پیروی و اطاعت می‌کند.»^۱

۱،۲،۴. رابطه دین و فرهنگ

همانطور که گفته شد در برخی تعاریف، فرهنگ در برگیرنده‌ی اعتقادات، ارزشها و اخلاق و رفتارهای متأثر از این سه، و همچنین آداب و رسوم و عرف یک جامعه معین تعریف می‌شود. در گونه‌ای دیگر از تعاریف، آداب و رسوم شالوده اصلی فرهنگ تلقی می‌شود و صرفاً ظواهر رفتارها، بدون در نظر گرفتن پایه‌های اعتقادی آن، به عنوان فرهنگ یک جامعه معرفی می‌گردد.

پس از بیان دو نوع تعریف از فرهنگ، اینک می‌گوییم:

دین - که عبارت است از مجموعه‌ای از باورهای قلبی و رفتارهای عملی متناسب با آن باورها - اگر با گونه‌ی نخست از تعاریف فوق مقایسه شود، جزء فرهنگ تلقی می‌شود؛ زیرا فرهنگ در این دیدگاه هم شامل باورهای قلبی دینی و غیردینی و هم شامل رفتارها و اخلاق و آداب و رسوم دینی و غیردینی است. از این رو، «دین» جزء «فرهنگ» و زیرمجموعه‌ای از آن تلقی می‌شود.

اما اگر دین را با گونه‌ی دوم از تعاریف مقایسه کنیم، از آنجا که در این نوع از تعاریف ظواهر رفتار و آداب و رسوم به عنوان فرهنگ شناخته می‌شوند، رابطه‌ی دین با فرهنگ بسان دو مجموعه‌ای که

فقط در بخشی از اعضا مشترک هستند قابل شناسایی است، و در این دیدگاه نه دین کاملاً جزء فرهنگ است و نه فرهنگ زیر مجموعه ای از دین می باشد.^۱

۱,۲,۵. فرهنگ اسلامی

فرهنگ اسلامی عبارت است از: «مجموعه عقاید، باورها، ارزش ها، آداب و رسوم، الگوها، روش و شیوه های عمل متخذ از قرآن کریم و سنت معصومین (علیه السلام)». حال فرهنگ هر یک از افراد و جوامعی که دین رسمی آنان اسلام است، در صورتی اسلامی قلمداد می شود که همواره یاد شده بر کلیه روابط چهارگانه ایشان با خدا، خود، طبیعت و جامعه حاکم باشد. از سوی دیگر هرگاه معنای فرهنگ به «دستاوردهای بشر و میراث اجتماعی» آن اطلاق شود، فرهنگ اسلامی عبارت از: «مجموع آثار مثبت مادی و غیر مادی جوامع اسلامی که افراد آن عقاید، باورها، ارزشها، آداب و رسوم، الگوها و شیوه های عمل خود را از قرآن کریم و سنت معصومین (علیه السلام) اخذ کرده و در پیروی از آن، هیچ گونه کوتاهی عمدی روا ندارند»^۲

۱,۲,۶. فرهنگ فاطمی

فرهنگ فاطمی مجموعه ای است از زندگانی بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) از

۱. مقاله فرهنگ چیست؟، ۵ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۴، <http://www.tebyan.net>.

۲. محمد تقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۹۱، ص ۲۷۱.

زاویه سیره نگاری و الگو پذیری در ابعاد مختلف که می تواند در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی
ما موثر باشد.^۱

۱.۳. مفهوم شناسی واژه خانواده

خانواده به مفهوم محدود آن عبارت است از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک
مرد که فرزندان پدید آمده از آنان خانواده را تکمیل می کند. تعریف دیگری، خانواده را گروهی از
افراد می داند که از راه خون، زناشویی و یا فرزند پذیری با یکدیگر ارتباط می یابند و طی یک دوره ی
زمانی نامشخص، باهم زندگی می کنند.^۲ آنتونی گیدنز جامعه شناس انگلیسی نیز خانواده را گروهی از
افراد می داند که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته اند، و اعضای بزرگسال آن مسئولیت
مراقبت از کودکان را برعهده دارند. پیوندهای خویشاوندی ارتباطات میان افراد است که یا از طریق
ازدواج برقرار گردیده اند، یا از طریق تبار که خویشاوندان خونی (مادران، پدران، فرزندان دیگر،
پدربزرگها و غیره) را با یکدیگر مرتبط می سازد.^۳

اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می کند
که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل می دهند و نکاح عقدی است که براساس
آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار می شود و در آن طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می
شوند. ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می آید و اعضای آن روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی
دارند.

۱. مهدی نیلی پور، فرهنگ فاطمیه الفبای شخصیتی حضرت زهرا (علیها السلام)، اصفهان: مرکز فرهنگی شهید
مدرس، ۱۳۸۷، ص ۷.

۲. بروس کوئن، درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه ی محسن ثلاثی تهران: نشر توتیا، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷.

۳. آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۴.

اساس تشکیل آن این است که زن و مردی می‌کوشند اراده خود را بر تأسیس آن و قبول تکالیفی که شرع برای آنها معین کرده است، محقق سازند. بر این اساس خانواده یک تأسیس حقوقی به حساب خواهد آمد که اعضای آن با رشته خونی با هم پیوند پیدا می‌کنند. جامعه شناسان خانواده را یک پدیده تاریخی می‌دانند که از اجتماع کلی جدا نیست. واحدی است اجتماعی که در عین حال خصایص یک نهاد و یک گروه را واجد است.

به طور کلی خانواده گاه به گروهی از افرادی که روابط «زن و شوهری»، یا «پدر و مادر، فرزندی» میانشان وجود دارد اطلاق می‌شود و گاه مفهومی از یک گروه اجتماعی محدود را در بر دارد که افرادش با روابط گوناگونی، که لزوماً روابط خویشاوندی نیست به یکدیگر مربوطند که خانواده زن و شوهری یا هسته ای – شامل پدر و مادر و فرزندان – بر اساس ازدواج به وجود می‌آید و دارای و ظایف عاطفی، مذهبی، تربیتی، جنسی و... است و مشخصه آن روابط میان پدر و مادر، والدین و فرزندان و خواهران و برادران است.^۱

۱. جمشید بهنام، ساختهای خانواده و خویشاوندی در ایران، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۰، ص ۵.

بخش دوم: خانواده و فرهنگ فاطمی

فصل اول: فرهنگ فاطمی در روابط بین همسران

فصل دوم: فرهنگ فاطمی در روابط والدین با فرزندان

فصل سوم: فرهنگ فاطمی در روابط فرزندان با والدین

فصل چهارم: فرهنگ فاطمی در حاکمیت معنویت در

خانواده

فصل اول: فرهنگ فاطمی در روابط بین همسران

شروع زندگی زیبا اگر بر پایه ی اعتقادات صحیح باشد به همان زیبایی ادامه خواهد یافت، بانویی که به وظایف انسانی و شرعی خود عالم است در زندگی شایسته عمل خواهد کرد حضرت زهرا (سلام الله علیها) در مدت نه سال خانه‌داری، بهترین الگوی شوهرداری را برای بشریت ارائه داد؛ حضرت زهرا (سلام الله علیها) نشانه کامل یک زن به تمام معناست و ازدواج حضرت زهرا (سلام الله علیها) و حضرت علی (علیه السلام) قطعاً هدفی عمیق با خود در برداشته که با بررسی آئین همسر داری حضرت زهرا (سلام الله علیها) در این نوشتار تا حد امکان سعی شده است مختصر و مفید به برخی از ویژگی های بارز همسر داری آن حضرت اشاره شود.

۱.۱. تحمل مشکلات و ساده زیستی در زندگی

ساده زیستی و پرهیز از تجمل از نکات بارز زندگی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. مهریه کم، جهیزیه مختصر، اکتفا به غذای اندک و معاش کم، استفاده از حداقل امکانات برای زندگی و... از خصوصیات آشکار سیده زنان عالم است.

سلمان فارسی می گوید:

«روزی حضرت فاطمه (علیها السلام) را دیدم که چادری ساده بر سر داشت. با تعجب عرضه داشتم: عجب! دختران پادشاهان ایران و قیصر روم بر کرسی های طلایی می‌نشینند و پارچه‌های زربافت و اشرافی به تن می‌کنند؛ اما دختر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) که عظمت و جلالتش از همه آنها بالاتر و بیشتر است، نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباس های فاخر و زیبا! حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود: یا سَلْمَانُ إِنَّ اللَّهَ ذَخَرَ لَنَا الثَّيَابَ وَ الْكَرَاسِي لِيَوْمٍ آخِرٍ؛ ای سلمان! خداوند

[بزرگ] لباسهای [زینتی] و تختهای [طلایی] را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.»

حضرت فاطمه (علیها السلام) آن گاه به محضر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد و عرض کرد: «یا رسول الله! سلمان از لباس ساده من تعجب کرد. قسم به خدایی که تو را به رسالت در راه حق برانگیخت! من و همسر من علی (علیه السلام) همواره زندگی ساده را پیشه می‌خود کرده ایم. فرش خانه ما پوست گوسفندی است که روزها شترمان بر روی آن علف می‌خورد و شب‌ها بر روی آن می‌خوابیم و بالش ما چرمی است که از لیف خرما پر شده است.»^۱

همسرانی که امور رفاهی فراوانی به شوهران خود تحمیل می‌کنند، غافلند از این که توانایی‌های انسان حد و مرزی دارد و اگر شخص نتوانست از راه مشروع توقعات همسرش را برآورده کند به ناگزیر از راه‌های نامشروع آن‌ها را تامین می‌نماید و چه خسارتی از این بزرگ‌تر که زن با توقعات نابجای خود، پای اموال شبهه‌ناک و حرام را به خانه خود باز نماید. همچنین در زندگی مشترک، توجه به ظرایف روان‌شناختی که مربوط به روحیه‌ی مردانه یا زنانه است، در رأس مهمترین عوامل مؤثر در استحکام خانواده قرار دارد. در زندگی مشترک معمولاً اگر تقاضایی از سوی زنی در برابر همسرش مطرح شود و شوهر قادر بر پاسخ نباشد، نوع خاصی از احساس سرشکستگی را در خود خواهد یافت و این واقعیت، روح او را خواهد آزد. یک زن مسلمان در پرتو تعالیم قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) همواره زی‌سادگی و ساده‌زیستی را نصب‌العین خود قرار داده، و تمام همت خود را برای تربیت فرزندان صالح و حرکت به سوی کمال قرار می‌دهد؛ چرا که دلدادگی به دنیا و مظاهر فریبنده آن مانع رشد و ترقی معنوی و کمال انسانی است. زنی که فقط به دنبال تشریفات، دنیاگرایی و زندگی شاهانه و اشرافی و لباسهای آن‌چنانی باشد، نمی‌تواند به اهداف والای زندگی پاک معنوی دست یابد و فرزندانی

۱. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۰۳.

شایسته تربیت کند. به همین جهت، حضرت زهرا (علیها السلام) با اینکه دختر بزرگ رهبر جهان اسلام بود و می‌توانست از موقعیت خود بهره برداری مادی بکند، اما چنین نکرد.^۱

همانطور که روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) وارد منزل حضرت زهرا (علیها السلام) شد و دخترش را مشاهده کرد که روی زمین نشسته، با یک دست فرزندش را در آغوش گرفته، شیر می‌دهد و با دست دیگر با آسیاب دستی گندم‌ها را آرد می‌کند. از دیدن زندگی ساده، اما گرم و پر عاطفه حضرت فاطمه (علیها السلام) اشک در چشمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) حلقه زد و فرمود: «یا بِنْتَاهُ تَعَجَّلِي مَرَارَةَ الدُّنْيَا بِحَلَاوَةِ الْآخِرَةِ»^۲ دخترم! مشکلات دنیا را به یاد شیرینی [و حلاوت زندگی در] جهان آخرت بر خود هموار ساز و تحمل کن!»

حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز عرضه داشت: «یا رَسُولَ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آلائِهِ»^۳ ای رسول خدا! حمد و سپاس خداوند را در مقابل این همه نعمتی که به ما داده است.

البته ساده زیستی یک بانوی مسلمان به این معنی نیست که ژولیده و آلوده و بد لباس زندگی کند؛ بلکه سادگی او باید توأم با پاکی و تمیزی باشد.^۴

۱. مقاله پیوند جمال فاطمی و جلال الهی مبارک!، ۱۱ صبح، ۱۳۹۴/۵/۳۰،

<http://www.tebyan.net>

۲. محمد بن علی ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، ج ۳، قم: موسسه انتشارات علاقه، ۱۳۷۹ ق، ص ۳۴۲.

۳. محمد بن همام بن سهیل ابن همام اسکافی، التمحیص، محقق مدرسه امام مهدی (علیه السلام)، قم: مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۴ ق، ص ۶.

۴. مقاله پیوند جمال فاطمی و جلال الهی مبارک، ۱۱ صبح، ۱۳۹۴/۵/۳۰،

<http://www.tebyan.net>

۱،۲. کار و تلاش

همسر باایمان همواره در راه احیای ارزش های الهی و پیشرفت جامعه و خانواده اش تلاش می کند و حضرت زهرا (علیها السلام) نمونه بارزی از بانوان پر تلاش در طول تاریخ است. آن حضرت علاوه بر تلاش های معنوی در عرصه های عبادت و تقوا، در مورد خانواده و فرزندانش نیز الگویی تمام عیار می باشد. کار شبانه روزی برای تعالی و استحکام خانواده، تربیت و پرورش فرزندان شایسته، آموزش علم برای تشنگان دانش، ایراد خطابه و روشنگری مردم در صحنه اجتماع و در یک کلام حرکت با تمام وجود به سوی رشد و کمال از ویژگی های بارز آن بانوی بانوان عالم است. حضرت زهرا (علیها السلام) در گزارشی که در مورد کوشش هایش در خانه و خانواده اش برای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بیان می کند، چنین می فرماید:

«لَيْلَتِي جَمِيعًا أُدِيرُ الرَّحَى حَتَّى أَصْبَحَ وَأَبُو الْحَسَنِ يَحْمِلُ حَسَنًا وَحُسَيْنًا؛^۱ شب تا صبح به آرد کردن گندم مشغول بودم، در حالی که ابوالحسن، [فرزندانم] حسن و حسین (علیها السلام) را نگه داری می کرد.»

همچنین سلمان فارسی می گوید: فاطمه زهرا (علیها السلام) را دیدم که با دستان مبارک با آسیاب دستی گندم را آرد می کرد، جلو رفته پس از سلام، گفتم: ای دختر رسول خدا (علیها السلام) خود را به زحمت مینداز، در کنار شما خدمتکار منزلتان فضه ایستاده است کار منزل را به ایشان واگذار! حضرت زهرا پاسخ داد: «رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به من سفارش فرمود که کارهای خانه

۱. علی متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۵، بیروت: مؤسسة الرسالة، بی تا، ص ۵۰۷.

را با فضا تقسیم کنم. یک روز او کار کند و روز دیگر من، دیروز نوبت او بود و امروز نوبت من است.»^۱

۱.۳. رازداری

رازداری، ادب و احترام زن به همسر خود اقتضا می کند که نه تنها از طرح بزرگ جلوه دادن کمبودهای خانه خود داری کند، بلکه در حد امکان، کاستی ها را نادیده گرفته، آنها را کوچک شمارد و بیان نکند. هنگامی که اظهار ناراحتی، نتیجه ای جز رنجش شوهر ندارد، زن نباید کلامی در این رابطه بگوید. ایثار و محبت، اقتضا می کند که او خود به ترتیبی که می داند آنها را جبران کرده و زحمت مضاعف را بر همسر خود، تحمیل نکند.

روزی فاطمه (علیها السلام) به حضور پدرش رسید، در حالی که آثار ضعف و گرسنگی از چهره زهرا (علیها السلام) نمایان بود. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) وقتی این حالت را مشاهده کرد، دست هایش را به سوی آسمان، بلند نموده و گفت: خدایا گرسنگی فرزندانم را به سیری تبدیل کن و وضع او را سامان بده.^۲

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بدون اینکه زهرا (علیها السلام) سخنی به او بگوید از ضعف و گرسنگی او با خبر می شود که این خود یکی دیگر از نمونه های پایبندی به اساس و اسرار خانواده است که در حضرت زهرا (علیها السلام) به وضوح دیده می شود.

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۷۶.

۲. علی اکبر بابازاده، تحلیل سیره فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)، چاپ نهم، قم: دانش و ادب، ۱۳۸۶، ص ۸۵.

۱،۴. هماهنگی و اطاعت از همسر

خانواده به عنوان اولین و بنیادی ترین تشکل در جامعه، نیاز به مسؤول یا سرپرست دارد و پر واضح است که هیچ تشکل و اجتماعی بدون مسؤول و رهبری واحد که تدبیر امور را در دست داشته باشد، ممکن نیست. واگذاری اداره خانواده که متشکل از زن و مرد است به هر دوی آنها در واقع به معنای فقدان مسؤول و سرپرست در چنین تشکل بنیادی جامعه است. بنابراین لازم است که امور خانواده به شوهر واگذار شود و همسر از او اطاعت و در همه امور با او هماهنگ باشد چنانچه در سیره حضرت وارد شده است:

پس از ماجرای تلخ ثقیفه و انزوای اهل بیت (علیهم السلام) سران ثقیفه برای جلب افکار عمومی به فکر چاره افتادند، تا به گونه ای از حضرت زهرا (علیها السلام) دلجویی نمایند، که اجازه ملاقات می خواستند و تظاهر به جبران اشتباهات می کردند. فاطمه (علیها السلام) در تداوم یک مبارزه منفی همه جانبه، هر گونه، پیشنهادی را رد می نمود، و موضع اعتراض با سکوت و بیزاری را ادامه می داد. روزی امام علی (علیه السلام) وارد منزل شد و فرمود: فاطمه جان! خلیفه و عمر در پشت درب خانه، منتظر اجازه ورود می باشند، تا نظر شما چه باشد؟ حضرت زهرا (علیها السلام) در برابر شوهر فرمود: «قَالَتْ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحُرَّةُ زَوْجَتُكَ أَفْعَلْ مَا تَشَاءُ؛ اُعلی جان! خانه، خانه توست، و من همسر تو می باشم. هر آنچه می خواهی انجام ده.»

اما روزی که امام علی (علیه السلام) را برای بیعت به زور و کشان کشان به مسجد می بردند. حضرت فاطمه (علیها السلام) به ابوبکر گفت: آیا می خواهی شوهرم را از من بگیری، اگر این کار را بکنی موهای خود را پریشان کرده و پیراهن پیامبر را بر سر گذاشته و کنار قبر پیامبر رفته و شکایتم را

پیش او می برم. در اینجا حضرت علی (علیه السلام) از ماجرا باخبر می شود و به سلمان می گوید: فاطمه (علیها السلام) را دریاب. سلمان فارسی زمانی که به نزد فاطمه (علیها السلام) رسید و او را برای ناله و نفرین مصمم یافت، گفت: امام علی (علیه السلام) مرا فرستاد و فرمود که به شما بگویم: فاطمه! به خانه بازگردید و از ناله و نفرین خودداری کنید.

وقتی حضرت پیام امام را شنید فرمود: «حال شوهرم و امام من، فرمان داده که به خانه بازگردم، می روم و صبر می کنم و سخن آن بزرگوار را می پذیرم و از او اطاعت می کنم»^۱

۱,۵. همراهی و پشتیبانی

حضرت فاطمه (علیها السلام) در تمام مبارزات همسرش اعم از مبارزات سیاسی و جنگهای نظامی، مایه امید و دلگرمی او بود؛ در غیاب شوهر، خانه و فرزندان او را به خوبی اداره می کرد؛ با اشتیاق به انتظار بازگشت شوهر از جنگ می نشست و تمام سعی و کوشش خود را در راه آسایش او بکار می برد. به طوری که، وقتی حضرت علی (علیه السلام) بر می گشت و ساعاتی را در میان خانواده اش می گذراند، تمام خستگی های حاصل از جنگ های طاقت فرسا، از تن او می رفت و با خیال آسوده، خود را آماده نبردهای آینده می نمود.

وقتی حضرت علی (علیه السلام) از جبهه باز می گردد، حضرت فاطمه (علیها السلام) به استقبال او می رود و با روی گشاده و لبخند حاکی از رضایت و افتخار به او می نگرد، لباس و شمشیر

خون آلود او را می شوید و از حوادث میدان جنگ از او می پرسد و بدین وسیله نقش خود را در جهاد سرنوشت ساز اسلام و در تقویت روانی شوهر مجاهدش، ایفا می کند.^۱

دردهای حضرت علی (علیه السلام) ، دردهای حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز هست، از این رو، گفتار و کردار حضرت زهرا (علیها السلام) در راستای خواست حضرت علی (علیه السلام) بود. حمایت و پشتیبانی حضرت فاطمه (علیها السلام) از همسرش به اندازه ای مهم و مؤثر بود که حضرت علی (علیه السلام) مادامی که همسرش زنده بود، تن به بیعت نداد ایشان در تمام فعالیتهای حضرت علی (علیه السلام) او را همراهی می کرد و نسبت به مسائل او و جامعه حساسیت نشان می داد و به این شکل با همراهی، همفکری و رغبتی که در خود نشان می داد خستگی ها و مرارت های بیرون را از جسم و روح او دور می کرد.^۲

۱,۶. حاکمیت روح عاطفی

زن مخلوقی عاطفی و احساسی است، و همواره دوست دارد معشوق شوهر خود قرار گیرد و حس عاطفی او را به نحو احسن ارضاء کند و شیرین ترین اوقات زندگی، لحظاتی است که چشم به معشوق خود می دوزد و او را می نگرد و عاشقانه با او صحبت می کند و نهایت عشق و عاطفه خود را در کلام و نگاه ابراز می دارد.^۳

۱. عنذرا انصاری، جلوه های رفتاری حضرت زهرا (سلام الله علیها)، چاپ یازدهم، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش، ص ۲۴.

۲. مقاله سبک زندگی فاطمی زفتار با همسر، ۱۰ شب، ۱۳۹۴/۶/۱۴.

<http://kothar.blogfa.com>

۳. مقاله همسرمداری در خانه حضرت زهرا (س)، ۱۳۹۴/۶/۱۴، <http://www.tebyan.net>

آنگاه که حضرت زهرا (علیها السلام) می‌خواهد شدت علاقه و وفاداری خود را به شوهر مظلومش ابراز نماید می‌فرماید: «علی جان! جانم فدای تو، و جان و روح من سپر بلاهای جان تو، ای ابالحسن! همواره با تو خواهم بود، اگر تو در خیر و نیکی به سر می‌بری با تو خواهم زیست و یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی باز هم با تو خواهم بود.»^۱

همچنین حضرت علی (علیه السلام) رابطه‌ی عاطفی خود را با حضرت زهرا (علیها السلام) تشبیه به یک جفت کبوتر می‌کند و می‌فرماید:

«كُنَّا كَزَوْجِ حَمَامَةٍ فِي أَيْكَةٍ مُتَمَتِّعِينَ بِصِحَّةٍ وَ شَبَابٍ»^۲ ما همانند دو کبوتر در یک آشیانه بودیم که از نشاط، سلامت و جوانی برخوردار بودیم.»

برخلاف عشق‌های ظاهری و دروغین، که تنها در هنگام عافیت و شادی ابراز می‌شود، نه در هنگام مشکلات و ناراحتی‌ها. پیمان وفاداری و پیوند زناشویی ایشان، در خانه علی (علیه السلام) آنچنان محکم و استوار بود که تنها مرگ می‌توانست در ظاهر، آنها را از هم جدا کند.

حضرت فاطمه (علیها السلام) با شهادت خود، قلب حضرت علی (علیه السلام) را که هنگام ورودش به خانه او قوت و اطمینان بخشیده بود، چنان بی‌تاب و تحمل کرد که در باور هیچ ناظری نمی‌گنجید.

روزی حضرت فاطمه (علیها السلام) به حضرت علی (علیه السلام) گفت: هنگام فراق، نزدیک شده است؛ سخنانی دارم که می‌خواهم با تو بگویم.

۱. محمد دشتی، نهج الحیاء، یا فرهنگ سخنان فاطمه (س)، قم: مشرقین، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷.

۲. حسین بن معین الدین میبدی، دیوان امیر المؤمنین علیه السلام، محقق مصطفی زمانی، قم: دار نداء الإسلام للنشر، ۱۴۱۱ ق، ص ۸۶.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: آنچه که دلت می خواهد بگو، حضرت علی (علیه السلام) بر بالین حضرت فاطمه (علیها السلام) نشست و دستور داد کسی داخل اتاق نباشد.

دخت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) این گونه آغاز کرد: ای پسر عم! از شروع زندگی ام با تو در هیچ امری مخالفت تو را نکردم، و هرگز از من دروغ و خیانت، سر نزد.

حضرت علی (علیه السلام) در حالی که او را تصدیق می کرد، گفت: تو با تقواتر و متواضع تر از آن هستی که من تو را بر چنین امری سرزنش کنم. آه چقدر جدائی و دوری از تو بر من دشوار خواهد بود. مصیبت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) برایم زنده می شود از دست دادن تو برای من بسیار سخت و ناگوار است از این ماتم به خدای خود پناه می برم و دل به او می سپارم. مصیبت فراق تو آن قدر تلخ و سنگین است که تحمل آن برای حضرت علی (علیه السلام) مشکل و طاقت فرساست. مصیبتی که هیچ چیز نمی تواند آن را جبران کند این دردی است که درمانی برای آن نمی بینم.

سپس حضرت علی (علیه السلام) سر حضرت فاطمه (علیها السلام) را به سینه چسباند و با هم گریستند. گریه حضرت فاطمه (علیها السلام) برای تنهائی حضرت علی (علیه السلام) و اشک حضرت علی (علیه السلام) برای از دست دادن یار و حامی وفادار خود بود.^۱

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۱۳۴.

۱،۷. روحیه ایثارگری

اصولاً شالوده هیچ خانواده ای بدون گذشت و ایثار، استوار نمی ماند و از مهمترین عوامل استحکام روابط میان اعضای یک مجموعه است، در خانه ای که تمام افراد آن در اندیشه منافع شخصی خود باشند و خبری از فداکاری نباشد، مهر و صفائی در میان نخواهد بود.

همسر ایده آل، برای گرم نگه داشتن کانون خانواده، باید مهربان و ایثارگر باشد، دیگران را برخود مقدم بدارد با سختی های زندگی و ناملایمات آن بسازد و با لبخند شادی آفرین خود، تاریکی حزن و اندوه را از دل شوهر بزدايد.^۱

در یکی از صبحگاهان امام علی (علیه السلام) فرمود: فاطمه جان! آیا غذایی داری تا گرسنگی ام برطرف شود؟ پاسخ داد: نه، به خدایی که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید سوگند که دو روز است در منزل غذای کافی نداریم آنچه بود به شما و فرزندانم حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) دادم و خود از غذای اندک موجود، استفاده نکردم. امام با تأسف فرمود فاطمه جان چرا به من اطلاع ندادی تا به دنبال تهیه غذا بروم؟

حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمودند:

«يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ إِلَهِي أَنْ أَكُلَّ نَفْسِكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ؛^۲ ای ابالحسن! من از پروردگار خود حیا می کنم چیزی را از تو درخواست کنم که تو بر آن توان و قدرت نداری.»

۱. محمد دشتی، همان، ص ۵۷.

۲. محمد روحانی علی آبادی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه بحار الأنوار)، تهران: انتشارات مهام، ۱۳۷۹ ش، ص ۳۳۰.

۱،۸. تقسیم کار

یکی از عوامل شادابی و تکامل خانواده‌ها تعیین حدود مسئولیت افراد در خانواده است. البته، تعیین این مسئولیت‌ها بنا بر شایستگی‌ها و توانمندی‌هایی است که خداوند در انسان به ودیعه نهاده است. با تقسیم کار، عدالت اجتماعی در محیط خانواده حکم فرما می‌شود و زن را از دخالت در اموری که سزاوار نیست باز می‌دارد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «حضرت فاطمه (علیها السلام) کارهای منزل را با حضرت علی (علیه السلام) این‌گونه تقسیم کردند: خمیر کردن آرد و تمیز کردن و جاروب زدن منزل به عهده فاطمه باشد و کارهای بیرون منزل از قبیل جمع آوری هیزم و مواد اولیه غذایی را علی (علیه السلام) انجام دهد.»

در این باره امام صادق (علیه السلام) فرمود: «این تقسیم کار با اشاره رسول خدا (صلی الله علیه وآله) انجام گرفت، آن‌گاه که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: کارهای داخل منزل را فاطمه و کارهای بیرون منزل را علی انجام دهد.» حضرت زهرا (علیها السلام) با خوشحالی فرمود: «فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخِلُنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَائِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَحْمِلُ رِقَابَ الرِّجَالِ؛^۱ جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم؛ زیرا رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است بازداشت.»

البته، روشن است در مواردی خروج زن از خانه ضرورت پیدا می‌کند. مثل مواردی که آن بانوی بزرگوار برای دفاع از حقوق غصب شده خود و شوهرش به مسجد یا دارالخلافه رفت و یا امور ضروری دیگر.

۱. عبد الله بن جعفر حمیری، قرب الإسناد (ط الحدیث)، محقق مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۲.

۱,۹. رعایت ادب و احترام

در روایتی آمده است آن حضرت ملاک و معیار ارزشمندی انسان را در مهربانی با همسر و نرمی با دیگران ذکر کرده است:

«بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم تر و مهربان تر باشد و ارزشمندترین مردم کسانی هستند که با زنان خود مهربان و بخشنده است.»^۱

آن بانوی بزرگوار، نام همسر خود را با احترام یاد می‌کرد. گاهی وی را با کنیه «ابالحسن» می‌خواند و گاهی با یاد قرابت نسبی (یا ابن عم) وی را ندا می‌داد. در حدیث شریف کساء آمده است که حضرت فاطمه (علیها السلام) می‌فرماید: «ابوالحسن علی بن ابیطالب وارد شد و فرمود سلام بر تو ای دختر رسول خدا گفتم: و بر تو باد سلام ای ابا الحسن و ای امیرمؤمنان»^۲ این گونه نقل نام و خطاب احترام آمیز یکی از نکات اصلی رابطه زوجین نسبت به یکدیگر است.

۱,۱۰. آگاهی و شناخت

یکی از عوامل استحکام بخش پیوندهای مودّت میان زن و شوهر این است که طرفین بتوانند حالات و روحیات یکدیگر را درک کنند. شاید هیچ عاملی به اندازه‌ی درک متقابل روحیات در زندگی خانوادگی، نمی‌تواند آرامش‌بخش و سازنده باشد. مهمترین عامل و سبب محبت نیز معرفت است و درک روحیه و شناخت ابعاد وجودی همسر، از تجلیات معرفت به اوست.

حضرت زهرا (علیها السلام) و امام علی (علیه السلام) همسرانی بودند که در مدت کوتاه زندگانی خود با روشنایی شناخت و تابناکی اندیشه روزهای همراه با مهربانی و تفاهمی سپری کردند. عرصه شناخت

۱. محمد دشتی، همان، ص ۱۵۷.

۲. عباس قمی، مفاتیح الجنان، موسوی دامغانی، چاپ سیم، تهران: قدیانی، ۱۳۷۳، حدیث شریف کساء.

حضرت زهرا (علیها السلام) نسبت به همسرش، به جلوه های ظاهری زندگی محدود نمی شد، بلکه وی از گستره عظمت معنوی شوهر خود آگاهی داشت.

حضرت فاطمه (علیها السلام)، حضرت علی (علیه السلام) را خوب می شناختند و بر روحیات او مشرف بودند. در شرایطی که دیگران حضرت علی (علیه السلام) را درک نمی کردند و از جلوه های رفتاری وی سوء برداشت می نمودند، این همسرگرمی وی بود که او را می شناختند و برای دیگران رفع ابهام می کردند.

از سوی دیگر، امام علی (علیه السلام) نیز درباره مقام و منزلت همسرش آگاهی کامل داشت و با عبارات مختلف در قالب نظم و نثر، حضرت فاطمه (علیها السلام) را می ستود و می فرمود:

«من به فاطمه (علیها السلام) و پدرش مباحثات می کنم و آنگاه به رسول خدا افتخار می کنم که فاطمه را به همسری من درآورد.»^۱

۱.۱۱. سازگاری

یکی دیگر از عواملی که سبب تحکیم خانواده می شود، این است که زوجین با یکدیگر توافق و سازش اخلاقی داشته باشند. مسلم است که وقتی زن و شوهر در کنار یکدیگر قرار می گیرند و در جمیع شئون زندگی، با یکدیگر شریک می شوند، گاه اختلاف سلیقه هایی پیدا می کنند. برای آن که این اختلاف ها، اساس زندگی مشترک را خدشه دار نسازد و قلب همسران را از هم نرنجاند، باید به فرآیندی جهت سازش و توافق توسل کرد. در طی این فرآیند، هر یک از زن و شوهر از بعضی امیال، خواست ها و سلیقه هایشان برای احترام به نظر همسر خود، چشم پوشی می کنند. البته این امر، درباره ی وجود دو معصوم (علیها السلام) با عامه ی مردم متفاوت است. با این وصف، حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۸۱ و ۸۲، حدیث ۳.

درباره‌ی همسرش حضرت فاطمه (علیها السلام) می‌فرماید: «به خدا سوگند (در سراسر زندگی مشترک با فاطمه (علیها السلام) تا آنگاه که خدای عزیز و جلیل او را قبض روح فرمود هرگز او را خشمگین نساختم و بر هیچ کاری او را اکراه و اجبار نکردم، و او نیز مرا هرگز خشمگین نساخت و نافرمانی من نکرد؛ هر وقت به او نگاه می‌کردم رنج‌ها و اندوه‌هایم برطرف می‌شد.»^۱

۱،۱۲. آراستگی

رسیدگی به وضع ظاهری به خاطر همسر از اصول زندگی یک زن و مرد مسلمان است. استفاده از عطر، نگاه کردن در آب برای آراستگی ظاهری، شانه زدن، خوشبو بودن با همسر و در هنگام نماز، استفاده از رنگ های روشن در لباس، شیوه زندگی رسول الله بود که حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز آموخته بود و همواره بدان عمل می‌کرد. نقل است پیامبر برای شب عروسی حضرت زهرا (علیها السلام) دستور داد عطرهایی خوشبو تهیه کنند و حضرت زهرا (علیها السلام) نیز در داخل خانه دائماً معطر بودند. همچنین استفاده از عطر، نگاه کردن در آب برای آراستگی ظاهری، از آنجا که این ویژگی در سراسر زندگی حضرت بود، در لحظه های واپسین زندگی آن بانو نیز فراموش نشد.^۲

۱،۱۳. تعریف و تحسین همسر

رفتار حضرت زهرا (سلام الله علیها) با شوهر در عالی ترین مرحله صفا و مهربانی بود. نه تنها خاطر شوهر را نرنجانید، بلکه یاور مهربان و نوازشگر دلسوز برای شوهر بود و در همه صحنه

۱. محمد دشتی، همان، ص ۴۵.

۲. مقاله صفات همسران در خانواده فاطمه زهرا(س) و امیر مؤمنان(ع)، پیام زن خرداد ۱۳۷۸، شماره ۸۷.

های زندگی همدرد و شریک زندگی حضرت علی (علیه السلام) بود. آنچه از تاریخ بر جای مانده است به تحقق این انگیزه مقدس در این پیمان زناشوئی شهادت می دهد. می بینیم که حضرت فاطمه از لحظه ورود به خانه گلی، اما نورانی حضرت علی (علیه السلام) تا آخرین روز زندگی بر سر پیمان خود بود.

این از فرازهای برجسته زندگی حضرت فاطمه (سلام الله علیها) است که از همان آغاز ورود به خانه همسر، تمام شخصیت و هویت خود را چنان بروز دهد که تا پایان مسیر مشخص باشد.

پاسخ صریح و زیبایی حضرت علی (علیه السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در فردای عروسی، مؤیدی است بر آنچه گفته شد. حضرت علی (علیه السلام) در این جواب کوتاه و عمیق فاطمه را بهترین یار و مددکار در طاعت حق معرفی می کند. وقتی پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) از او پرسید که حضرت زهرا (علیه السلام) را چگونه یافتی؟ عرض کرد: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ؛ فاطمه، چه خوب یآوری برای اطاعت الهی است.»

و هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) همین پرسش را از حضرت فاطمه (علیه السلام) کرد، پاسخی شنید که حکایت از کمال رضایت و خشنودی حضرت زهرا (علیه السلام) می کند.

بنابراین عمل کردن به سیره عملی حضرت زهرا (علیه السلام) اثر وضعی بر زندگی افراد دارد چراکه مطابق با فطرت انسانی است. این در حالی است که اگر افراد کاری مطابق با فطرتشان انجام دهند، نخست تأثیرات مثبت آن را بر روح و روان خود دریافت می کنند.

ذات انسان کمک به دیگران و گره گشایی از مشکلات را ترجیح می‌دهد و مهم این است که در پس این رفتارهای پسندیده، پیش از هر کسی خود او است که آرامش روحی و روانی کسب می‌کند. آرامش همان عنصری است که در همه لحظات زندگی حضرت فاطمه زهرا (علیه السلام) موج می‌زد، زیرا تمام کارها را با اخلاص انجام می‌دادند، اگر از آن الگوی والا و بی‌بدیل پیام‌وریم که تمام اعمال و رفتارمان از کارهای منزل تا امور شخصی را با اخلاص به سرانجام برسانیم، آرامش درونی و سبکبالی را به وجود خود دعوت می‌کنیم و آن وقت است که تفکر آسوده‌تر موجب می‌شود تا مشکلات پیش روی خانواده‌ها راحت از میان برداشته شود. چون آرامش مادر یا همسر رمز آرامش کانون خانواده است به همین دلیل اگر مردی می‌خواهد بهترین کار را برای فرزندانش انجام دهد، باید عاشق همسرش باشد. چراکه این احساس خوب باعث می‌شود همسر یا مادر احساس آرامش کند و این احساس پاک را به تمام اعضای خانواده تزریق کند و به این ترتیب است که گویی پدر خانواده، تمام کارهای ممکن را برای فرزندانش انجام داده است.^۱

۱. مقاله سبک زندگی فاطمی از دیدگاه دو کارشناس مذهبی، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۵/۳۰،

فصل دوم: فرهنگ فاطمی در روابط والدین با فرزندان

اسلام، شخصیت آینده کودک را مرهون تربیت و پرورش و مراقبت پدر و مادر می داند. تمام حرکات و سکنات و کردار و گفتار پدر و مادر بر روح حساس و لطیف فرزند تأثیر می گذارد. هر فرزندی نماینده چگونگی سلوک و رفتار پدر و مادرش است. با کمی دقت به سیره ائمه (علیهم السلام) درمی یابیم که هر یک از آن بزرگواران با ظرافت و حساسیت و دقت نظر، مسائل تربیتی فرزندان به ویژه پرورش روح و شخصیت آنها را پی می گرفتند. سیره رفتار فاطمه (علیها السلام) با فرزندان خود نیز سرمشقی مناسب برای تربیت صحیح فرزندان است. چون ناشی از معرفت عمیق و صحیح ایشان از دستوراتی بود که اسلام درباره انسان ارائه کرده است.

۲,۱. توجه به نیازهای کودکان

یک نوزاد، یک کودک و حتی یک نوجوان و جوان فقط نیاز به یک نوع مراقبت و رسیدگی و حفاظت ندارد بلکه برای رشد همه جانبه و تربیت کامل به انواعی از مراقبت نیازمند است.

با توجه به شواهد تاریخی انواع این مراقبتها از ناحیه بهترین مادر تاریخ یعنی حضرت زهرا (علیها السلام) در مورد برترین فرزندان اعمال می شده است که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم.

۲,۱,۱. نیازهای جسمی

یکی از عوامل موثر در سلامت و نشاط روحی و جسمی فرزند، تغذیه و بهداشت است. این مهم از نگاه حضرت زهرا (علیها السلام) نیز دارای اهمیت و جایگاه خاص بوده است. زمانی که مسلمانان به علت کمبود آب، سخت در مضیقه بودند، حضرت زهرا (علیها السلام) حسین (علیه السلام) را نزد پیامبر

(صلی الله علیه وآله وسلم) آورد و عرض کرد: «یا رسول الله! فرزندان من خردسال اند و تحمل تشنگی را ندارند». پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) که نگرانی دخترش را در این باره به جا دید، زبان مبارکش را در دهان حسین (علیه السلام) قرار داد و با تر کردن دهان آنها، حضرت زهرا (علیها السلام) را از نگرانی درآورد و دو طفل کوچکش را نیز از تشنگی شدید نجات داد.

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) به عنوان الگو و مادر نمونه، با حساسیت بالایی سلامت جسمی فرزندان را پی گیری می کردند و چنان چه فرزندان بیمار می شدند، با توکل به خدا و دعا به درگاه او برای آنها طلب سلامتی می کرد.

همان گونه که ابن عباس می گوید: حسنین بیمار شدند، پیامبر با جمعی از یاران به عیادتشان آمد و به علی (علیه السلام) گفتند: ای ابوالحسن خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می کردی، علی (علیه السلام) و فاطمه و فضه خادمه نذر کردند که اگر آنها شفا یابند، سه روز روزه بگیرند.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: امام حسین (علیه السلام) دچار یک بیماری موقت گردید. آنگاه حضرت فاطمه (علیه السلام) او را در آغوش کشید و خدمت پیامبر بر دو فرمود:

«یا رسول الله از خدا بخواه که فرزندان حسین را شفا دهد چرا که خدا او را به تو عنایت نموده و قادر به شفابخشی او می باشد.»^۱

همچنین بی توجهی به نظارت بر فرزندان به ویژه در رفت و آمدهای اجتماعی آنها، نتایج زیانباری به دنبال دارد. با توجه به خطرهای و تهدیداتی که هر لحظه سعادت یک جوان را در معرض نابودی قرار

۱. «قال امیرالمؤمنین اعتل الحسین فأحتملته فاطمه فأتت النبی، فقالت: یا رسول الله ادع الله لابنک ان یشفی، ان الله هو الذی و هبه لک هو قادر علی ان یشفی.»؛ «نعمان بن محمد ابن حیون، دعائم الاسلام، ج ۲، چاپ دوم، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶.

می دهد، لازم است رفتار آنها به ویژه در هنگام ورود به خانه و خروج از آن به دقت بررسی شود. گفتنی است که اعتیاد، فساد، انحرافات فکری و بسیاری از خطرات دیگر از همین بی توجهی پدر و مادر آغاز می شود. حضرت زهرا (علیها السلام) با فداکاری و محبت خاصی که نسبت به فرزنداناش نشان می داد، مراقب تمام حرکات و سکنات آنها بود و به دقت آنها را زیر نظر داشت. نقل شده است که روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عازم خانه دخترش فاطمه شد. چون به خانه رسید، دید فاطمه مضطرب پشت در ایستاده است. آن حضرت فرمود چرا اینجا ایستاده ای؟ فاطمه (علیها السلام) با آهنگی مضطرب عرض کرد: فرزندانم صبح بیرون رفته اند و تاکنون هیچ خبری از آنها ندارم. پیامبر به دنبال آنها روانه شد. چون به نزدیک غار جبل رسید، آنها را دید. که در کمال سلامت مشغول بازی اند. آنها را به دوش گرفت و به سوی مادرشان روانه شد. این واقعه، خود نمونه ای گویا از توجه و اهمیت دادن حضرت زهرا (علیها السلام) به حضور فرزندان خردسالش است.^۱

۲،۱،۲. نیازهای عاطفی

۱. احترام به فرزند

دانشمندان روان شناس می گویند تربیت کننده باید شخصیت کودک را پرورش دهد و اعتماد به نفس را به او تلقین کند؛ او را بزرگ نفس و با شخصیت بار بیاورد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در پرورش شخصیت اولاد حضرت زهرا (علیها السلام) کوشش می کرد و زهرا و علی (علیه السلام) نیز از همین

۱. مقاله جلوه های تربیتی حضرت زهرا (علیها السلام) درباره فرزنداناش، گنجینه، مهر ۱۳۸۴، شماره ۵۴.

برنامه متابعت می کردند. هرگز نشد که کودکان را تحقیر کنند و شخصیت آنان را در حضور دیگران کوچک سازند و بر روحشان ضربه وارد کنند. از این روی، طبعاً بزرگ و آقا تربیت شدند.^۱

حضرت فاطمه (علیها السلام) به فرزندان خود احترام می گذاشتند و آنها را با احترام خطاب می کردند و همیشه سعی در آموزش و تربیت دینی و اخلاقی آنها داشتند.^۲

همانطور که در حدیث شریف کساء حضرت فاطمه (علیها السلام) در پاسخ سلام فرزند خود امام حسن (علیه السلام) می فرماید: «سلام بر تو ای نور دیده ام و میوه دلم. و در پاسخ سلام امام حسین (علیه السلام) می فرماید: سلام بر تو ای فرزند من و ای نور دیده ام و میوه دلم.»^۳

۲. محبت به فرزندان

یکی از مهم ترین نیازهای هر کودک برخورداری از عواطف پاک و مهر و محبت خانواده و خویشاوندان و والدین است. هنگامی که کودک از زلال محبت خانواده سیراب شد و عطش محبت و توجه عاطفی او برطرف گردید، با روانی آرام و سلامت و پرنشاط پا به عرصه اجتماع می گذارد تا همگان از برکات وجود او بهره مند شوند.

شاید پندار بسیاری از مردم این باشد که دوران تربیت کودک از وقتی شروع می شود که خوب و بد را درک کند و اهل رشد و تمیز شود و قبل از آن تربیت موثر نیست و تحت تاثیر عوامل خارجی قرار نمی گیرد. اما این عقیده نادرست است؛ زیرا به تصدیق دانشمندان فن تربیت، تربیت و پرورش کودک باید از بدو تولد شروع شود. کودکی که کمبود محبت داشته باشد، معمولاً ترسو، خجل، ضعیف،

۱. مقاله آموزه های ناب تربیتی در سیره حضرت زهرا (س) (۲)، ۱۲، ظهر، ۱۳۹۴/۶/۱۴، <http://masaf.ir>.

۲. مقاله سبک زندگی اسلامی حضرت فاطمه (س)، ۱۲، ظهر، ۱۳۹۴/۶/۱۴، <http://hayaa.ir>.

۳. عباس قمی، همان، حدیث شریف کساء.

بدبین، گوشه گیر؛ پژمرده و حتی مریض بار می آید. چنین شخصی ممکن است برای اظهار عکس العمل و تظاهر به بی نیازی، دست به اعمالی نظیر جنایت، دزدی و قتل نفس بزند تا از این طریق از اجتماعی که او را دوست ندارد، انتقام بگیرد. کودک می خواهد پدر و مادر او را دوست داشته باشند و نسبت به او اظهار علاقه کنند. کودک چندان توجهی به لباس، خوراک و محل زندگی ندارد اما به این موضوع توجه دارد که آیا او را دوست دارند یا نه؟ پس محبت و نوازش کودک یکی از احتیاجات ضروری او به شمار می رود و برای پرورش او الزامی است. یکی از راه های پرورش شخصیت عاطفی کودک ابراز محبت و از جمله بوسیدن است که پیامبر اعظم آن را عملاً به حضرت زهرا (علیها السلام) یاد دادند.

چنان که بوسه های مکرر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بر رخسار و دست و بازوی (فاطمه علیها السلام) نشانه ای از ابراز علاقه آن حضرت به فرزندش بود. آن حضرت به محبت کردن و توجه به کودکان بسیار اهمیت می داد، چنان که: روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) امام حسن (علیه السلام) را می بوسید و نوازش می کرد، اقرع بن حابس عرض کرد: «من ده فرزند دارم، ولی تا به حال هیچ یک از آنان را نبوسیده ام. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) غضبناک شد و فرمود: اگر خدا محبت را از قلب تو گرفته است، من چه کنم؟ هر کس نسبت به اطفال ترحم نکند و احترام بزرگ سالان را نگه ندارد، از ما نیست.»^۱

حضرت زهرا (علیها السلام) نیز که تربیت یافته چنین مکتبی بود، با بوسیدن مکرر فرزندان خود، شخصیت عاطفی آنها را پرورش می داد.^۲

۱. ترجمه ی علی الجمال الحسین، المرء النموذجیه فی الاسلام، بی جا: بی تا، ص ۷۱.

۲. مقاله جلوه های تربیتی حضرت زهرا (علیها السلام) درباره فرزندانش، گنجینه، مهر ۱۳۸۴، شماره ۵۴.

بنابراین محبت در خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) بطور کامل ارائه می شد و آن حضرت که خود از سرچشمه محبت و عطوفت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سیراب شده و قلبش کانون محبت به همسر و فرزندان بود در این جهت نیز وظیفه مادری خود را به بهترین شکل انجام می داد.^۱ سلمان فارسی می گوید: «روزی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را دیدم، که مشغول آسیاب کردن غله است. فرزندش حسین (علیه السلام) به گریه افتاد و بیتابی می کرد. عرض کردم: برای کمک به شما، غله را آسیاب کنم یا بچه را آرام نمایم؟ حضرت فرمود: من به آرام کردن فرزند اولی هستم. شما آسیاب را بچرخانید.»^۲

۲،۱،۳. نیازهای روحی

مجموعه خصلت های روحی و روانی مادر، عامل مؤثری در تکوین شخصیت کودک است. طینت پاک و الهی مادر بر وجود فرزندان چنان اثر می گذارد که زمینه الهی شدن آنها را فراهم می سازد.^۳

برتری و شایستگی های روحی و روانی حضرت زهرا (علیها السلام) عامل مهمی در شکل گیری شخصیت کودکان بزرگوارش بود، چنان که در زیارت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) می خوانیم:

۱. مقاله همسر داری و شیوه زندگی حضرت فاطمه (س)، ۱۲ ظهر،

<http://akharozaman76.persianblog.ir>، ۱۳۹۴/۶/۱۴

۲. محمد حسینی شاهرودی، الگوهای رفتاری حضرت زهرا (سلام الله علیها) «تربیت فرزندان»، قم: نشر شجره طوبی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۶.

۳. مقاله جلوه های تربیتی حضرت زهرا (علیها السلام) درباره فرزندان، گنجینه، مهر ۱۳۸۴، شماره ۵۴.

«أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُجَسَّكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا»^۱
شهادت می دهم که نوری بودی در صلب مردان بزرگ و در رحم زنانی پاک که هرگز آلوده به ناپاکی
های جاهلیت نگردید.»

شخصیت عظیمی چون امام حسین (علیه السلام) نیز از دامان پاک و سرشت الهی ای، چون زهرای
مرضیه مقدور و ممکن شده است.

بنابراین، هر مادری که می خواهد فرزندانی باایمان و خداشناس داشته باشد، شایسته است که در
ابتدا بر ایمان و تقوای خود بیفزاید تا بتواند فرزندانی پاک و خداپرست را پرورش دهد.

لازم به ذکر است نامگذاری، برای طفل اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا اولین چیزی که در فهم لطیف
و حساس کودک راه پیدا می کند، نام و شهرت اوست و اینکه این نام حامل چه بار فرهنگی و معنایی
است، تأثیر شگرفی بر روح و روان او دارد، بدین جهت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، یکی از
حقوقی را که فرزندان بر عهده پدر دارند، نام نیکو و پسندیده می شمارد و می فرماید:

«وَحَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ»^۲ تعیین نام مناسب، حقی است که فرزند بر ذمه پدر خود
دارد.»

حضرت زهرا (علیها السلام) با هم فکری و همیاری پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و علی (علیه السلام)
زیباترین نام ها را برای فرزندان انتخاب کرد و حقی که بر عهده داشت به بهترین شکل ممکن ادا
کرد تا زمینه ای برای پرورش هر چه بهتر روح و روان فرزندان به وجود آید.^۱

۱. ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، المصباح للکفعمی، چاپ دوم، قم: دار الرضی، ۱۴۰۵ ق، ص ۵۰۲.

۲. محمدتقی مجلسی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محقق حسین موسوی کرمانی و علی
پناه‌اشتهاردی، ج ۱۲، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۴۹.

۲،۲. توجه به جنبه های عبادی در تربیت

پدران و مادران مکلفند تا فرزندان خویش را با روحیه خداپرستی آشنا سازند و شوق عبادت و تقرب به خالق بی همتا را در آنان پرورش دهند.

کودکانی که از نخستین روزهای حیات خویش، با ایمان به خدا تربیت می شوند، اراده ای قوی و روانی نیرومند دارند. از همان دوران کودکی، رشید و با شهامت هستند و نتایج درخشان ایمان، از خلال گفتار و رفتارشان به خوبی مشهود است.

از اساسی ترین مسائلی که بزرگ بانوی اسلام، در منطق رفتاری خود در تربیت کودکانش بر آن تأکید می ورزید، توجه به روحیه عبادت و حس خداپرستی در فرزندان بود.

آن یگانه مربی روزگار چنان شوق بندگی و عبودیت و خضوع در برابر معبود را در دل و جان فرزندان تقویت می کرد که آنان بهترین کارها و بالاترین لذت ها و زیباترین دقایق را لحظات عبادت و تقرب به خدا می دانستند.

حضرت زهرا (علیها السلام) روحیه تعبد و بندگی را از کودکی به فرزندان می آموخت و آنها را در حد طاقتشان با عبادت آشنا می ساخت، به گونه ای که حضرت در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان کودکان خود را به بیداری و نخفتن وادار می کرد.

... حضرت در روز بچه ها را می خوابانید تا کاملاً استراحت کنند و غذای کمتری به آنان می داد تا بدین گونه زمینه و موقعیت بهتر و مطلوب تری از نظر جسمی و روحی برای شب زنده داری داشته باشند. او به حدی در این کار جدی و قاطع بود که نمی گذاشت احدی از اهل خانه خوابش ببرد. گویا حضرت فاطمه (علیها السلام) می خواست از دوران کودکی در قلب پاک فرزندان خود جمال خدا را به تجلی و جان و زبانشان را به حلاوت و شیرینی عبادت آشنا کند و محبوب راستین را به آنان نشان

بدهد تا در جوانی جذب جلوه های دروغین نشوند. این روش تربیتی حضرت فاطمه (علیها السلام)، به عنوان یک سنت بسیار پسندیده و قابل اجرا، در گفتار امامان معصوم (علیهم السلام) نیز به چشم می خورد.^۱

۲,۳. پرورش روحیه ایثار

مقدم داشتن دیگران بر خود، اصلی بسیار ارزشمند و انسانی است که هر کس، نمی تواند دارنده آن باشد. حضرت زهرا (علیها السلام) فرزندان را با چنین روحیه ای پرورش داده بود. آنجا که پس از یک روز گرسنگی، وقت افطار، در به صدا در می آید و گرسنه بی سرپرستی درخواست طعام می کند، پس از آنکه حضرت علی و حضرت فاطمه (علیها السلام) طعامشان را که قرص نانی بود تقدیم آن فقیر می کنند، فرزندان آنها نیز که پرورش یافته چنین پدر و مادری هستند، دیگران را بر خود مقدم می شمارند و قرص نان خود را به فقیر می دهند و این عمل تا سه شب تکرار می شود و نتیجه این روحیه ایثار و از خود گذشتگی، آن می شود که فرزندان بزرگوار آن حضرت تمام هستی خود را برای پیشرفت و تکامل انسانیت فدا می کنند.^۲

۲,۴. همبازی شدن با کودکان

یکی از نیازهای جسمی و روحی روانی کودک و نوجوان فراهم نمودن شرایط بازی برای اوست. شاید بازی همچون آب و غذا و تنفس از نیازمندی های ضروری و حیاتی برای کودکان و نوجوانان

۱. مقاله اصول تربیتی در زندگانی علی و فاطمه (علیهما السلام)، ۱۲ ظهر، ۱۳۹۴/۶/۱۴،

<http://www.askdin.com>

۲. امین توفیقی، مقاله فاطمه (علیها السلام) در خانه و جامعه این گونه بود، ۱۲ ظهر، ۱۳۹۴/۶/۱۴،

<http://www.tebyan.net>

است و به تعبیر روایات دینی یک دوره از دوره های حیات و زیستن سالم برای یک انسان دوران بازی و بازیگری او به حساب می آید. به همین دلیل و بر اساس آنکه اسلام دینی است بر اساس فطرت انسان در روایات ائمه طاهرین (علیهم السلام) به وجود این دوره و اهتمام و اهمیت به آن پرداخته شده است. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است:

«دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبْ سَبْعًا وَ الزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِنْ لَا خَيْرَ فِيهِ»^۱ فرزند خود را تا هفت سال برای بازی کردن آزاد بگذار آنگاه هفت سال در تربیت او جدیت کن و هفت سال با خود همراه کن تا واقعیات زندگی را دریابد.

علاوه بر این به عنوان یک دستورالعمل اخلاقی و تربیتی از بزرگان و والدین خواسته شده به اقتضای طبیعت کودکان و علاقه آنان به بازی و بازیگری در هنگام ارتباط با آنان خود را کوچک نموده و حالات و اطوار کودکان به خود بگیرند یعنی در راه رفتن، گفتن، شنیدن با آنان هماهنگ شوند که در این بین بازی کردن با فرزندان نیز بسیار مهم است. بطور کلی با نگاهی به زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) توجه به عنصر بازی و مسائل اطراف آن قابل مشاهده است.

همبازی شدن با کودکان، انتخاب و معرفی بازی های مفید برای آنان، تهیه لوازم بازی، توجه به تربیت کودکان در اثناء بازی کردن با او تنوع بازی ها، تحمل بازی های آنان و مسائلی از این نمونه همه مورد توجه حضرت بوده است که از باب مثال به دو مورد آن اشاره می کنیم:

کودک برای بازی نیاز به همبازی دارد و هم بازی شدن او، بازی را برای او شور آفرین و جذاب می کند و از طرفی در این حالت احساس می کند که بزرگترها برای او ارزش قائل شده و سعی می کند با

۱. محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۴۹۲.

آنان خودمانی شود. همچنین برای بزرگ ترها برای درک هر چه بهتر روحیات کودک و نوجوان نیاز است که با او هم بازی شوند.

هم بازی شدن رسول معظم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) با فرزندان دخترش، حضرت زهرا (علیها السلام)، بیانگر این نکته مهم است که بازی و تحرک کودک، یکی از لوازم تربیت صحیح به شمار می آید. اما باید توجه داشت که در بازی، نوع الفاظ و حرکات مادر سرمشق کودک قرار می گیرد. بنابراین باید از کلمات و جملات مناسبی استفاده کرد. افزون براین، باید در قالب بازی و شوخی، شخصیت کودک را تقویت کرد و او را به داشتن مفاخر و ارزش های اکتسابی تهییج نمود که همه، مروهون در پیش گرفتن شیوه های صحیح در این زمینه است.^۱

حضرت فاطمه (علیها السلام) از همان دوران کودکی با فرزندانش هم بازی می شد نقل شده است حضرت با فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) بازی می کرد و او را بالا می انداخت و می فرمود: «پسرم حسن، مانند پدرت باش، ریسمان ظلم را از حق بر کن، خدایی را بپرست که صاحب نعمت های متعدد است و هیچ گاه با صاحبان ظلم و تعدی، دوستی مکن».^۲

همچنین نقل شده است که وقتی فرزندش حسین (علیه السلام) را بازی می داد، این گونه می فرمود: «أَنْتَ شَبِیهٌ بِأَبِي لَسْتَ شَبِیهًا بِعَلِيٍّ»^۳ تو به پدر من (پیامبر) شبیهی و به پدرت علی شباهت نداری.

۱. اعظم نوری، الگوهای رفتاری حضرت فاطمه (س) در خانواده (۳)، فصلنامه نامه جامعه، شماره ۵۷.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۲۸۶.

۳. نعمت الله بن عبد الله جزائری، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، ج ۱، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۷ ق، ص ۸۵.

۲,۵. تشویق به فراگیری علم

در مسائل معرفتی حضرت فاطمه (علیها السلام) عزیزان خود را به محضر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرستاد تا قرآن بیاموزند و نسبت به احکام و آموزه های دینی، آگاهی افزون تری به دست آورند. در یک نگاه، فاطمه (علیها السلام) در جلوه های مهر و عاطفه بسیار عطوف و پر مهر بود، ولی هرگز عاطفه را بر وظیفه ترجیح نمی داد. به همین دلیل، وقتی خبر شهادت فرزندش امام حسین (علیه السلام) در کربلا و چگونگی آن وقایع را شنید، بسیار گریست. اما برای یاری آیین اسلام و آبیاری نهال دین، این مصیبت سنگین را پذیرفت و عرض کرد: «پدرجان! در برابر خواسته خداوند، تسلیم و راضی ام و به خدا توکل می کنم»^۱

روایت شده است که حضرت مجتبی (علیه السلام) در پنج سالگی هر روز به مسجد می رفت و از کلمات و مواعظی که پیغمبر اکرم در مسجد بیان می فرمود، همه آنچه را به ذهن مبارک خود می سپرد، به خانه می آمد (و به اقتضای ادای حق علم که نشر است) برای مادر بزرگوار خود حرف به حرف بیان می کرد و چون امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به خانه تشریف می آورد، حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) آنها را برای آن جناب بازگو می کرد. روزی حضرت علی (علیه السلام) پرسید: ای فاطمه، تو به مسجد حاضر نبودی از کجا این کلمات را فهمیدی؟ گفت: فرزندم حسن هر روز آنچه پدر بزرگوارم بر منبر می گوید، بی کم و کاست به همان ترتیب برایم بیان می کند. چنان که گفتیم، فاطمه زهرا (علیها السلام) با کودکان خود گفت و گوهایی علمی داشت و آنان را به بیان نطق علمی

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۴، ص ۲۶۴؛

تشویق می کرد و این کار مادر افزون بر انس امام حسن مجتبی (علیه السلام) با مسجد، سبب می شد که وی با شوق و اشتیاق همه مواعظ و کلمات پیامبر را به ذهن بسپارد.^۱

۲،۶. آموزش دعا برای دیگران

با پند و اندرز نمی توان صحت و درستی صفات اخلاقی ای را که رعایت نمی شود، به دیگران اثبات کرد و آموخت. کسی که می خواهد دیگری را تربیت کند، باید در عمل، به آنچه می گوید پای بند باشد. مادری که به تربیت فرزند خود علاقه مند است، باید خود، دارای فضایل اخلاقی باشد و همواره رفتار صحیح را رعایت کند تا فرزندانش با آسودگی خاطر، در عمل از او الگو گیرند.

حضرت زهرا (علیها السلام) با عمل به آنچه می فرمود، فرزندانش را با اخلاق و رفتار اسلامی آشنا می ساخت، چنان که امام حسن (علیه السلام) می فرماید:

مادرم، فاطمه (علیها السلام) را دیدم که شب جمعه در محراب خویش به عبادت ایستاده بود و پیوسته در رکوع و سجود بود تا اینکه سپیده صبح بردمید و از او می شنیدم که برای مردان و زنان مؤمن دعا می کرد و نامشان را بر زبان جاری می ساخت و بر ایشان بسیار دعا می کرد، ولی برای خویش هیچ دعا نمی کرد، من به او گفتم: ای مادر! چرا همان گونه که برای دیگران دعا می کنی، برای خود دعا نمی کنی، فرمود: «يَا بُنَيَّ الْجَارَ ثُمَّ الدَّارُ»^۲ ای پسرکم! نخست باید همسایگان را دریافت، آن گاه به خانه پرداخت.»

۱. مقاله جلوه های تربیتی حضرت زهرا (علیها السلام) درباره فرزندانش، گنجینه، مهر ۱۳۸۴، شماره ۵۴.

۲. علی بن عیسی اربلی، همان، ج ۲، ص ۲۶.

حضرت نصیحتی را به فرزندش آموخت که از شب تا به صبح به آن عمل کرده بود و چنین پند و اندرزی است که اثر می گذارد و تربیت می کند.^۱

۲,۷. آموزش رعایت حقوق به فرزندان

والدین باید مراقب کودک باشند تا از حد خود تجاوز نکند و حقوق دیگران را نیز محترم بشمارند. کودک باید منظم باشد، و نظم در زندگی را باید به او یاد داد. باید چنان تربیت شود که نه از گرفتن حقش عاجز باشد و نه حقوق دیگران را پایمال کند. این درس تربیتی به طور کامل در خانه حضرت زهرا (علیها السلام) اجرا می شد؛ به قدری در این باره دقت می شد که حقوق و نظم را در کوچک ترین موارد رعایت می کردند. برای مثال، امام علی (علیه السلام)، می فرماید:

«روزی پیامبر اکرم در منزل ما استراحت می کرد، حسن آب خواست. رسول خدا برخاست، قدری شیر دوشید و در ظرفی کرد و به دست حسن (علیه السلام) داد. حسین از جای خویش بلند شد و خواست کاسه شیر را از دست حسن بگیرد، اما پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) مانع شد. حضرت زهرا (علیها السلام) که این منظره را تماشا می کرد، عرض کرد: یا رسول الله! گویا حسن را بیشتر دوست دارید؟ ایشان پاسخ داد: چنین نیست، بلکه علت دفاع من از حسن این است که او حق تقدم دارد و زودتر از حسین تقاضای آب کرده است. باید نوبت را مراعات کرد.»^۲

۱. مقاله جلوه های تربیتی حضرت زهرا (علیها السلام) درباره فرزندانش، گنجینه، مهر ۱۳۸۴، شماره ۵۴.

۲. محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، قم: موسسه انتشارات اعلام، بی تا، ص ۲۸۳.

۲,۸. رعایت عدالت

رفتار هماهنگ و عادلانه، و بذل محبت و توجه به طور مساوی به فرزندان، اصل سازنده ای است که تا اعماق وجود کودک اثر می گذارد. در روایات معصومان (علیه السلام) نیز سفارش شده است که پدر و مادر از تبعیض و عدم رعایت انصاف پرهیز کنند و عدالت را سرلوحه اعمال خویش قرار دهند. نمونه هایی در زندگی خانوادگی حضرت زهرا (علیها السلام) دیده می شود که نشانگر توجه و دقت نسبت به این موضوع مهم می باشد. روزی رسول اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم)، امام حسن و امام حسین (علیه السلام) را بر دوش گرفته، آنان را مورد لطف و نوازش خود قرار دادند و سپس رو به آنها کرده و فرمودند: با هم کشتی بگیرید. آنها به خواست پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) کشتی گرفتند. حضرت زهرا (علیها السلام) می گوید: من دیدم پدرم با جملاتی حسن را تشویق کرده و درصدد تقویت اوست. بدین سبب به پدرم گفتم: ای پدر بزرگوار! از شما تعجب می کنم که یکی را بر دیگری ترجیح می دهید؛ آن هم بزرگ تر را بر کوچک تر. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: دوستم جبرئیل حسین را تشویق می کند و من حسن را تشجیع می کنم.^۱ در این روایت تاریخی، اهتمام حضرت زهرا (علیها السلام) به عدم تبعیض بین کودکان قابل توجه و تأمل است.

۲,۹. ایجاد رقابت بین فرزندان

مسابقه از جمله ابزارهایی است که روح اعتماد به نفس و مشکل ستیزی را در کودک زنده نگه می دارد. در جریان بررسی سیره تربیتی حضرت زهرا (علیها السلام) به موارد زیادی بر می خوریم که تنها به

نقل نمونه زیر اکتفا می کنیم. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) برای ایجاد رقابت و سلحشوری بین دو فرزند خویش فرمود: هر کس خط بهتری دارد قدرت بیشتری دارد. حسنین (علیهما السلام) هر کدام خطی نوشتند و برای قضاوت نزد حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) رفتند. اما رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) داوری نکرد و آن دو را نزد مادرشان هدایت کرد. حضرت زهرا (علیها السلام) با نگاهی به دو خط دانست که داوری بسیار مشکل است. در این جا به حضرت الهام شد که قضاوت نهایی را به تلاش آنان واگذار کند. از این روی، فرمود: من دانه های گردن بند را با پاره کردن رشته آن بر سر شما می ریزم. هر کدام از شما دو نفر دانه های بیشتری بردارد. خط او بهتر و قدرت او بیشتر است.^۱

۲،۱۰. استفاده از جلوه های هنری در تربیت

استفاده از جلوه های هنری همچون شعر، برای پرورش کودکان، فرازی دیگر از عشق، علاقه و احترام زهرای مرضیه (علیها السلام) نسبت به فرزندان است. حضرت زهرا (علیها السلام) زمانی که با فرزندان خود بازی می کرد، به تربیت روحی و پرورش جسمی آنان می پرداخت^۲ و در قالب زیبایی اشعار ادیبانه می فرمود:

«اشبه ایاک یا حسن واخلع عن الحق الرسن... و اعبد الها ذا المنن و لا توال ذا الاحن؛^۳ حسن جان! مانند پدربزرگ علی باش و ریسمان از گردن حق بردار خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد دشمن کینه توز دوستی نکن.»

۱. حافظ شهاب الدین ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۸، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق، ص ۹۷.
۲. محمد محمدی اشتهاودی، نگاهی بر زندگی حضرت فاطمه (س)، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)، ۱۳۸۹، ص ۶۴.
۳. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۲۸۶.

همچنین به دیگر دل‌بند خویش می‌فرمود: «انت شبیها بایی لست شبیها بعلی؛^۱ حسین جان! تو به پدرم رسول خدا شباهت داری نه به پدرت علی (علیه السلام)» امام علی (علیه السلام) سخنان همسر مهربان و پرنشاط خویش را می‌شنوید و چهره پرشوق او با تبسمی شیرین زیباتر می‌شد. مهربانی حضرت زهرا (علیها السلام) نسبت به فرزندان‌ش به گونه‌ای بود که گاه در مریضی آنان سه روز، روزه نذر می‌کرد تا شکر سلامت انجام دهد. حتی پیش از وفات، سفارش مهرورزی به کودکان خویش را به همسرش می‌کند و می‌فرماید: علی جان! درباره فرزندانم به تو سفارش مهربانی و خوش رفتاری می‌نمایم و سفارش می‌کنم که پس از من با دختر خواهرم امامه ازدواج کنی؛ زیرا او همانند من به فرزندانم دلسوز و مهربان است.^۲

۱. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع الموده لذوی القربی، تحقیق حسینعلی جمال، قم: دارالاسوه، ۱۴۱۳،

ص ۹۳.

۲. محمد بن حسن حرعاملی، همان، ج ۱، ص ۳۲۱.

فصل سوم: فرهنگ فاطمی در روابط فرزندان با والدین

هرکس دوست دارد عمری زیاد، روزی فراوان و روزگار خوشی داشته و از زندگی خود لذت برده، و فرزندان به او احترام نماید، باید به پدر و مادر خود نیکی و احسان نماید. طبق فرمایش حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) که می فرمایند: «هرکس که دوست دارد عمری زیاد، روزی فراوان و روزگار خوشی داشته و از زندگی خود لذت برده، و فرزندان به او احترام نمایند، باید به پدر و مادر خود نیکی و احسان نماید.»^۱

پس رفتار فرزندان با والدین خود نقش حیاتی در سعادت و شقاوتشان دارد. رفتار شایسته حضرت زهرا (علیها السلام) در این مورد نیز بهترین الگو می باشد که در این فصل به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم.

۳،۱. رعایت ادب و احترام

انسان باید با شیوه ای نیکو با پدر و مادرش برخورد کند و به گونه ای در مقابل آنها سخن بگوید که گویا یک گناهکار و متخلف با مولای خود گفتگو می کند و حتی اگر از جانب آنان با تندخویی مواجه شود، باز هم نباید متانت و نزاکت خود را از دست بدهد.

رعایت احترام والدین، هیچ حدّ و مرزی نمی شناسد. لذا باید مواظب باشیم که از محدوده طاعت و تواضع در برابر والدین، خارج نشویم. باید در جمیع ابعاد رفتاری و اخلاقی خود، نهایت تواضع را در پیش آنها داشته باشیم. حضرت زهرا (علیها السلام) نیز به پدرش رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۴، ص ۸۵.

بسیار احترام می کرد، و در برابر او به طور کامل حریم تواضع و ادب را رعایت می نمود،^۱ در اینجا به دو نمونه زیر توجه کنید:

- روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به خانه فاطمه (علیها السلام) وارد شد، فاطمه (علیها السلام) در آن هنگام مشغول نماز مستحبی بود، وقتی که صدای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را شنید، نمازش را قطع کرد و شتابان به استقبال پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) رفت و سلام کرد، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) دست محبت بر سر زهرا (علیها السلام) کشید و فرمود: «خدا تو را مشمول مهر و رحمتش قرار دهد حالت چطور است؟»^۲

فاطمه (علیها السلام) می گوید: هنگامی که آیه ۶۳ نور نازل شد:

« لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا »^۳ رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را همانند خود نشمرید و به نام نخوانید (بلکه یا رسول الله بخوانید).

من شرم کردم که به پدرم بگویم: «ای پدر!»، از این رو، گفتم: «ای رسول خدا!»، آن حضرت، از من روی گرداند و این کار چند بار تکرار شد، سرانجام به من فرمود: این آیه در مورد جفاکاران خشن و مغرور قریش نازل شده نه در مورد تو و نسل تو، تو از من هستی و من از توام.

«قولی یا ابه! فانها احیی للقلب و ارضی للرب»^۱ تو بگو «ای پدر!»، زیرا این گونه خطاب تو، دل رازنده کرده و مایه خشنودی پروردگار می گردد.»

۱. زین العابدین احمدی و حسنعلی احمدی، مقام پدر و مادر در اسلام، قم: انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۸، ص ۲۰۷.

۲. اسراء (۱۷)، آیه ۲۴.

۳. نور (۲۴)، آیه ۶۳.

۳،۲. تلاش برای جلب رضایت

رضایت والدین در سرنوشت دنیای انسان باعث گشایش روزی، افزایش عمر و دفع مرگهای بد است.

اگر پدر و مادر از انسان راضی باشند، نخستین هدیه ای که نصیب شخص می شود، حصول رضایت خداست و در مرحله بعد، این رضایت والدین نقش و تأثیر مثبت و سازنده ای در زندگی دنیوی شخص دارد.

استاد شهید مطهری (رحمه الله علیه) به فرزندشان فرموده بودند:

گهگاه که به اسرار وجودی خود و کارهایم می اندیشم، احساس می کنم که یکی از مسائلی که باعث خیر و برکت در زندگی ام شده و همواره عنایت و لطف الهی را شامل حال من کرده است، احترام و نیکی فراوان به والدین خود، بویژه در دوران پیری و هنگام بیماری کرده ام؛ چون تا آنجا که توانایی ام اجازه می داده، از نظر هزینه و مخارج زندگی به آنان کمک کرده ام.

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) است که فرمودند:

«دُعَاءُ الْوَالِدِ لَوْلَدِهِ كَدُعَاءِ النَّبِيِّ لِأُمَّتِهِ»^۲ دعایی که پدر برای فرزند کند، همانند دعایی است که پیامبری برای امت خود نماید.»

۱. عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، هاشم رسولی محلاتی، ج ۳، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵، ص ۶۳۹.

۲. علی بن حسن طبرسی، مشکاه الانوار، چاپ دوم، نجف: مکتبه حیدریه، ۱۳۸۵، ص ۱۶۲.

تأثیر مثبت رضایت والدین در محیط خانواده و در سطح جامعه، بسیار مؤثر است. خانواده، کانون مهم تربیتی و عاطفی، و اجتماع کوچکی است که در سایه عمل کردن به دستورات و احکام و قوانین اسلامی، خانواده می تواند در برابر امراض مختلف روحی خود را بیمه کند.

ریشه اخلاق، در خانواده است و صفات پسندیده، در دامن مادر رشد پیدا می کند، رضایت والدین، باعث تحکیم روابط اجتماعی و پشوانه ای در محیط خانواده است. لذا در سایه دور شدن از ارزشهای انسانی و اخلاقی، هر روزه شاهد از هم گسیختگی بیشتر خانواده های غربی هستیم.

در کشورهای غربی، پدر و مادر حق دخالت در زندگی و رفتار و حرکات فرزندان خود را ندارند و تربیت ناصحیح، والدین را در برابر فرزندان و فرزندان را برابر پدر و مادر، ناراضی و ناسازگار قرار داده است.

اسلام با قرار دادن یک سری نکات تربیتی از جمله سفارش به فرزندان در جهت جلب رضایت پدر و مادر و توصیه بر والدین در خدمت به فرزندان، زمینه تربیتی را طوری تنظیم کرده که فرزندان در کانون گرم خانواده و در کنار پدر و مادر زندگی می کنند و می دانند که زندگی در خارج از خانه پدری، باعث افزایش انحطاط اخلاقی افراد و جامعه می شود.

اطاعت و پندپذیری فرزندان از والدین، فضای خانه را سرشار از محبت و سعادت می کند. جلب رضایت والدین، کسب رضایت خدا را فراهم می کند و کسب رضایت خداوند، باعث آرامش روحی یک خانواده در اجتماع است و هر روز شاهد سعادت و خوشبختی یک خانواده است.^۱

حضرت زهرا نیز همواره می کوشیدند تا رضایت پدر بزرگوارشان را بدست بیاورند که به نمونه ای از آن اشاره می کنیم.

۱. زین العابدین احمدی و حسنعلی احمدی، همان، ص ۲۰۷.

شیخ صدوق (رحمه الله علیه) نقل می کند: رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) هرگاه به مسافرت می رفت، با فاطمه (علیها السلام) خداحافظی می کرد و وقتی از سفر بر می گشت، ابتدا به دیدن فاطمه (علیها السلام) می شتافت.

در یکی از مسافرت های پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، حضرت زهرا (علیها السلام) دو دستبند نقره و یک جفت گوشواره برای خویش و یک پرده برای درب منزل خرید، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از مسافرت بازگشت و به دیدار دخترش شتافت.

پس از مشاهده پرده خانه و زیور آلات ساده فاطمه (علیها السلام)، توقف کوتاهی کرد و به مسجد رفت.

حضرت زهرا (علیها السلام) با خود اندیشید که پدر ناراحت است، و فوری دستبند و گوشواره و پرده را در آورد و خدمت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرستاد و پیام داد: دخترت برای تو سلام می فرستد و می گوید که این زیور آلات اندک را نیز در راه خدا انفاق کن.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) پس از مشاهده بخشش و ایثار فاطمه (علیها السلام) سه بار فرمود: «فداها ابوها؛^۱ پدرش فدای او باد.»

۳،۳. محبت

احسان به پدر و مادر امری است که عقل و شرع بر ضرورت آن تصریح نموده است. از نظر عقل شکر منعم یعنی قدردانی و تشکر از کسی که نعمتی به انسان رسانده، لازم است. با توجه به این که پدر و مادر سمبل نیکی و احسان به فرزند هستند و از جان و مال خود برای پرورش او مایه گذارده‌اند، سزاوارترین انسان‌ها برای احترام و قدردانی‌اند و بهترین احترام و قدرشناسی، محبت و اطاعت از آن‌ها است. نقشی که پدر و مادر در به وجود آمدن فرزند خود دارند، به هیچ وجه برای فرزند نسبت به پدر و مادر جبران‌پذیر نیست. کدام حق بالاتر از حق حیات؟ امام زین العابدین (علیه السلام) می‌فرماید:

«حق مادرت آن است که بدانی او به گونه‌ای تو را حمل کرد که هیچ کس فردی را چنین حمل نکرده و چنان ثمره‌ای از قلبش را به تو داده است که هیچ کس به کسی نمی‌دهد. او با وجود گرسنگی تو را سیر نمود و با وجود تشنگی تو را سیراب کرد و تو را پوشاند، در حالی که خود برهنه بود... تو نمی‌توانی سپاس را به جای آری، مگر به یاری و توفیق الهی»^۱

اما دلیل شرع، آیات و روایات فراوانی است که بر ضرورت نیکی به پدر و مادر تأکید دارد. اهمیت احترام به پدر و مادر و نیکی کردن به آنها در سطحی است که قرآن کریم در ۹ مورد از آن سخن آورده است. در سه جا، احسان به پدر و مادر را در کنار توحید و یکتاپرستی ذکر می‌کند.^۲ مثلاً در آیه ۳۶ سوره نساء می‌فرماید: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۳ و خدا را بپرستید، و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید»

علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) در تفسیر آیه می‌گوید:

۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

۲. نساء (۴)، آیه ۳۶؛ بقره (۲)، آیه ۸۳؛ انعام (۶)، آیه ۱۵۱.

۳. نساء (۴)، آیه ۳۶.

«معلوم می‌شود مسئله احسان به پدر و مادر بعد از مسئله توحید، واجب‌ترین واجبات است، هم چنان که مسئله عقوق (نفرین) بعد از شرک ورزیدن به خدا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است، به همین جهت این مسئله را بعد از توحید و قبل از سایر احکام اسم برده، نه تنها در این آیات چنین کرده، بلکه در موارد متعددی از کلام خود همین ترتیب را به کار بسته است.»^۱

همچنین خداوند در سه آیه دیگر، احسان به پدر و مادر را به عنوان وصیت الهی مطرح می‌کند^۲ مانند آیه ۸ سوره عنکبوت که می‌فرماید: «وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بِالذِّمَّةِ حُسْنًا»^۳ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند.»

نیز در سه مورد، تکریم و نیکی به پدر و مادر را از زبان پیامبران الهی (علیهم السلام) نقل می‌کند.^۴

که از آن جمله آیه ۴۱ سوره ابراهیم است:

«رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»^۵ پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در آن روزی که حساب برپا می‌شود بیامرز.»

حضرت زهرا (علیه السلام) در مورد فلسفه احسان به والدین می‌فرماید: «خدا نیکی به پدر و مادر را لازم کرد برای این که شما را از غضب خود مصون بدارد.»^۶

۱. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر

انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ه.ش، ص ۵۶۱.

۲. عنکبوت (۲۹)، آیه ۸؛ لقمان (۳۱)، آیه ۱۴؛ احقاف (۴۶)، آیه ۱۱۵.

۳. عنکبوت (۲۹)، آیه ۸.

۴. ابراهیم (۱۴)، آیه ۴۱؛ مریم (۱۹)، آیه ۳۲؛ نوح (۷۱)، آیه ۲۸.

۵. ابراهیم (۴۱)، آیه ۴۱.

۶. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶، ص ۱۰۷.

هر چند پدر و مادر رفتار صحیحی با فرزند نداشته باشند، فرزند موظف به گرامیداشت والدین و کسب رضایت آنان است و نمی تواند مقابله به مثل نماید. فردی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت: پدر و مادری دارم که با آنها رابطه خوبی دارم، ولی آنها مرا با حرف و طرز برخوردشان می آزارند. پاسخ آنان را نمی دهم، ولی می خواهم آنان را ترک کنم و مدتی نزدشان نروم. حضرت فرمود: در این صورت خداوند تو را فراموش خواهد کرد. مرد عرض کرد: پس چه کنم؟ حضرت فرمود: به کسی که تو را محروم ساخت، ببخشی و با کسی که با تو قطع رابطه کرد، پیوند برقرار کن و از کسی که به تو ستم کرد، درگذر. اگر چنین کنی، خداوند سبحان پشیمان تو خواهد بود.^۱

اگر پدر و مادر در حق فرزند کوتاهی کنند و ظلمی انجام دهند، سبب نمی شود که فرزند هم درباره آنان به وظیفه اش عمل نکند. امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

«سه چیز است که خداوند درباره آنها برای مخالفت رخصت نفرموده است: رد امانت به نیکوکار و بد کردار، وفا به پیمان نسبت به نیکوکار و بد کردار، خوش رفتاری با پدر و مادر، نیکوکار باشند یا بد کردار.»^۲

از این روایت و روایات دیگر استفاده می شود که والدین چه مؤمن باشند و چه کافر، چه نیکوکار و چه معصیت کار باید مورد احترام قرار گیرند.

مهر و مودت به والدین به دوران حیات آنها اختصاصی ندارد بلکه باید پس از فوت آنها نیز ادامه داشته باشد. امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

۱. همان، ج ۷۱، ص ۱۰۰.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه حسن مصطفوی، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ص ۲۳۶.

«بنده ای در حال حیات پدر و مادرش به آن‌ها نیکوکار است، ولی پس از مرگ آن‌ها را فراموش می کند و بدهی ایشان را نمی پردازد و برای آن‌ها طلب رحمت نمی کند. خداوند او را جزء عاق والدین ثبت می نماید اما بنده دیگری در حال حیات عاق والدین است ولی پس از مرگ با دعا و استغفار آن‌ها را یاد می کند، خداوند او را نیکی کننده به والدین ثبت خواهد فرمود.»^۱

۱،۳،۳. مادری برای پدر

در انس و رابطه عاطفی حضرت زهرا با پدر بزرگوارشان کار به جایی رسید که او را مادر پدر می خواندند

زیرا هنگامی که کودکان مکه در ناز و نوازش و رفاه بودند، فاطمه در سختی و رنج بزرگ شد و فرش گام‌هایش ریگ‌های داغ بیابان مکه بود. او هنوز کودکی بیش نبود که غم بی‌مادری بر زندگی‌اش سایه افکند. ولی فاطمه پیش از آن که غم از دست دادن مادر را در خاطره بگنجاند، یارو غمخوار پدر شد برای روزهای سخت و محنت افزا؛ روزهایی که پدرش تنها بود و غم‌هایش بسیار. در این وقت فاطمه برای پدر یآوری شایسته به شمار می‌آمد و نقش مادری مهربان را ایفا می‌نمود ایشان هم‌چون پروانه‌ای بر گرد شمع وجود پیامبر می‌چرخید و غبار غم و اندوه را از چهره آن حضرت می‌زدود. همان گاه که دشمن حرمت حضرت رسول را در حالی که در سجده بود شکست و به زشت کرداری خویش، شکمبه شتر تازه ذبح شده‌ای را بر پشت ایشان فرو ریخت، زهرا با دستان کوچک و زلال مهربانی‌اش، بدن پدر را پاک نمود و او را به خانه برد.^۲

۱. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۳، ص ۲۳۸.

۲. احسان به والدین تا چه حد لازم است؟ عاق والدین کیست؟، مرکز پاسخگویی به سوالات دینی، ۱۰ صبح،

۲،۳،۴. دلسوزی

پس از ازدواج که طبعاً فاصله ای بین او و پدر افتاد، تحمل جدائی بر او گران بود. علی و فاطمه (علیها السلام) در خانه ای زندگی می کردند که کمی از خانه پیامبر دور بود این دوری برای فاطمه (علیها السلام) و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) دشوار بود. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) روزی به او فرمود قصد دارم تو را به نزدیک خودم منتقل سازم. سپس با حارثه بن نعمان مذاکره کرد و فاطمه (علیها السلام) را به خانه او که نزدیک خانه پیامبر بود منتقل ساخت.^۱

علی (علیه السلام) می فرماید: ما به همراه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در جریان حفر خندق بودیم که فاطمه (علیها السلام) با تکه نانی پیش پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد و آن را به خدمت او برد. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: این چیست، فاطمه؟ عرض کرد: از گرده نانی است که برای دو فرزندم پختم؛ این تکه آن را برای شما آوردم.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: دختر عزیزم! هان، این اولین غذایی است که بعد از سه روز وارد دهان پدرت می شود.^۲

همچنین گریه های حضرت زهرا (علیها السلام) پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، نمودی از این مهر و عشق فاطمه به پیامبر است. زهرا (علیها السلام) آنقدر گریست که از کسانی شمرده شد که بسیار گریسته اند.

۱. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا، ص ۱۴.

۲. محب الدین الطبری، ذخائر العقبی، بی جا: دارالکتب العلمیه، ۱۳۸۷، ص ۴۷.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: کسانی که گریستند پنج تن هستند: آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه دختر پیامبر و امام سجاد... اما فاطمه آنقدر در فراق پیامبر گریست که اهل مدینه از گریه او ناراحت شدند و به حضرت گفتند: تو با گریه بسیار ما را آزار می دهی پس از آن، حضرت از مدینه به مزار شهدا می رفت و در آنجا هر چه می خواست می گریست سپس باز می گشت...^۱

در کنار بستر پیامبر آرام نمی گرفت و آنچه او را آرام ساخت این بشارت بود که پیامبر به او داد که او اولین کسی است که به پیامبر ملحق می شود. تنها این خبر، برای زهرا (علیها السلام) شادکننده بود و پس از پیامبر هم حضور جبرئیل نزد آن حضرت و با خبرسازی وی از پدر و جایگاه و حالات آن سرور، تسلی خاطری برای زهرا (علیها السلام) به حساب می آمد. مهر زهرا (علیها السلام) به پدر همسان مهر مادری است که فرزند خود را در بر می گیرد و از همین روست که پیامبر، او را «ام ابیها»^۲ خواند.

۳,۳,۳. برخورد مهر آمیز

به هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) برای دیدار حضرت زهرا (علیها السلام) می رفت شیوه استقبال فاطمه (علیها السلام) بی نظیر بود.

«... فَإِذَا دَخَلَ عَلَيْهَا قَامَتْ إِلَيْهِ فَرَحَّبَتْ بِهِ، وَ قَبَّلَتْ يَدَيْهِ»^۳

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۱۵۵، ح ۱.

۲. همان، ج ۴۳، ص ۱۹، ح ۱۹.

۳. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۲۵، ح ۲۲.

هر زمانی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به دیدار فاطمه می آمدند حضرت زهرا (علیها السلام) از جا بر می خواستند به استقبال پدر می رفتند خوش آمد می گفتند و بوسه بر دستان پدر می زدند.

۳،۳،۴. پرستاری

در غزوه احد پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) زخمهای فراوان دیده بود، به همین علت خبر شهادت آن حضرت را به مدینه آوردند. ۱۴ نفر از زنان هاشمی و نزدیکان اهل بیت (علیهم السلام) برای کسب اطلاع از حال پیامبر سراسیمه به طرف احد بیرون رفتند، قافله سالار آنها فاطمه زهرا (علیها السلام) بود. وقتی به محل استقرار سپاه اسلام رسیدند، فاطمه (علیها السلام) با دیدن بدن مجروح پدر، او را در آغوش گرفت و گریست. بدن و لباس آن حضرت غرق خون بود. فاطمه با کمک علی (علیه السلام) که با سپر آب می آورد، بر زخمهای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می ریخت و فاطمه زخمهای پدر را می شست، اما هر چه می شستند خون بند نمی آمد، بلکه خونریزی بیشتر می شد. فاطمه قطعه حصیری را سوزاند و خاکستر آن را بر زخمهای پدر گذاشت تا آنکه خون قطع شد. پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) روزها استخوان پوسیده را می سوزانید و با آن زخمها را دود می داد تا بهتر شد.^۱

۱. حلیمه صفری، الگوهای رفتاری حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها)، ۱۰ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۴،

۴،۳. ایثار

کتاب خدا در آیات متعددی پس از امر به عبادت حق، تمام مرد و زن را به احسان به پدر و مادر فرمان می دهد، فرمانی که از آن بوی وجوب شرعی و اخلاقی استشمام می شود، فرمانی که اطاعت از آن فرمان، عین عبادت و بندگی خدا و سرپیچی از آن، معصیت و گناه و موجب عقاب و عذاب در روز قیامت است. «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...»^۱

خدا را عبادت کنید، و به او ذره ای شرک نیاورید، و به پدر و مادر احسان نمایید . . . احسان به پدر و مادر به تلافی عنایت و لطف و احسانی است که آن دو نفر به فرزند خود داشته اند، و از ابتدای ولادت فرزند تا به ثمر رسیدن او از احسان خود نسبت به وی دریغ نداشتند. همه جا فرزند خود را بر خود مقدم نمودند، نسبت به او ایثار و از خود گذشتگی کردند، در طوفان حوادث، و شرایط سخت او را حفظ نمودند، و شیرین تر از جان خود آغوش خود را برای او باز کردند، برای راحت او شبها را بیدار ماندند، و تلخی زحمات سنگین را به خاطر او با حالتی شیرین تحمل نمودند، رنج ها و سختی ها در راه تربیت و رشد او چشیدند، و از شیر ی جان خود فرزندشان را تغذیه کردند، اضطراب و دلهره ی فراوان بر دوش حمل کردند تا فرزند به جایی که باید برسد رسید، این فرزند است که باید با احسان خود گوشه ای از احسان عظیم آنان را تلافی کند.^۲

سه روز بود که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) غذایی نخورده بود به طوری که بر حضرت سخت می گذشت. خانه همسرانش را گشت و در خانه آنان نیز چیزی به دست نیاورد. نزد فاطمه (علیها السلام) آمد و گفت: دخترم! نزد تو چیزی برای خوردن هست که بسیار گرسنه ام؟ عرض کرد: نه، به خدا قسم.

۱. نساء (۴)، آیه ۳۶.

۲. مقاله احسان به پدر و مادر، ۱۰ صبح، ۱۴/۶/۱۳۹۴، <http://www.erfan.ir>.

وقتی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بیرون رفت، کنیزی را با دو قرص نان و یک تکه گوشت خدمت فاطمه (علیها السلام) فرستادند. حضرت آن را گرفت و در ظرفی گذاشت و پوشانید و فرمود: قسم به خدا پیامبر را در این طعام بر خودم و دیگری مقدم می دارم. این در حالی بود که خانواده اش به یک نوبت غذا نیاز داشتند. حسن و حسین (علیها السلام) را خدمت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرستاد، سپس همگی نزد فاطمه (علیها السلام) بازگشتند. فاطمه عرض کرد: خدا چیزی به من داد و من هم آن را پوشانیدم و خدمت شما فرستادم.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) روی طبق را باز کرد و دید آن طبق پر از نان و گوشت است. وقتی این منظره را دید مبهوت شد و فهمید که این از طرف خداست. شکر خدا به جا آورد وقتی حضرت آن را دید فرمود: این از کجا برای تو آمده است؟ عرض کرد: از طرف خدا آمده، و خداوند هر کسی را بخواهد روزی بی حساب می دهد.

آنگاه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) علی (علیه السلام) را خواست، و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) و همه همسران پیامبر از آن خوردند و سیر شدند. فاطمه (علیها السلام) می گوید: آن طبق غذا مثل اول پر بود و از آن به همسایه ها دادند، و خداوند در آن برکت و خیر کثیر قرار داد.^۱

۱. محمد بن علی ابن حمزه، الثاقب فی المناقب، قم: موسسه انصاریان، ۱۳۷۰، ص ۲۹۶، فصل ۵، ح ۲۵۲ - ۲.

فصل چهارم: فرهنگ فاطمی در حاکمیت معنویت در خانواده

اطاعت و عبادت خداوند، هدف خلقت و تنها راه رسیدن به قرب الهی و کمال مطلوب است؛ «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱ همچنین یکی از مهم‌ترین اهداف انبیاء و اوصیای الهی، توجه دادن مردم به پرستش و بندگی خداوند است. عبودیت، سکوی ترقی و کمال است، هرچه مقام عبودیت در انسان کامل‌تر شود، نردبان ترقی، بلندتر و هرچه از عبودیت کاسته شود، نردبان ارتقاء کوتاه‌تر می‌شود و در نتیجه کمالات افول می‌کند؛ به گونه‌ای که اگر این پایگاه برچیده شود، تمام کمالات درهم می‌ریزد. در بیان تمامی عبادت‌ها آنچه به صفحات تاریخ زینت و جلوه‌ای بی‌نظیر بخشیده، عبادت‌های بانوی بزرگواری است که در اوج جوانی، مایه فخر و مباهات عابدان گردیده است. که سعی می‌شود در این فصل حاکمیت معنویت ایشان در خانواده تبیین شود.

۴,۱. اهتمام به عبادات

مقام عبودیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) چنان روشن و ظاهر بوده که تمامی جوانب زندگی آن حضرت و حتی ظواهر زندگی ایشان را تحت تأثیر قرار داده است. اهتمام به عبادت و کوشش در راز و نیاز با خداوند، از اصول اساسی در سیره عبادی اهل بیت (علیهم السلام) است. آنان با انتخاب و اختصاص زمان مناسب و رعایت آداب عبادت، این حقیقت را آشکار ساخته‌اند که عبادت، نه امری فرعی، بلکه از مسائل اصلی است و در متن زندگی قرار دارد.

سیره و شیوه خداترسی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در سه بخش قابل توجه است:

۱. در رابطه با رعایت حق زوجیت که چنانچه در فصل گذشته بیان شد ایشان می‌کوشیدند به گونه‌ای عمل کنند که شوهر از او راضی باشد و حق او ادا شده باشد. آن حضرت به اندازه‌ای حساب شده عمل

می‌کرد که تمام نارسایی‌های طبیعی خانه را بتوان تحمل کرد و هیچ‌گاه به روی حضرت علی نیاورد و هیچ‌گاه از او تقاضا و خواهشی نکرد که مبدا بر حسب اسباب و علل طبیعی و عادی، حضرت علی تهیدست باشد و خجالت بکشد.

این‌گونه برخورد نشانه رعایت حریم حق زوجیت بوده و نشان می‌دهد که آن حضرت تا چه اندازه آن را مراعات می‌کرده است و با این که دردانه رسالت بود هیچ‌گاه در زندگی مشترک در برابر حضرت علی خود را مطرح نکرد و به حساب نیاورد.

۲. عبادت و نماز و دعا، علائق شدید آن حضرت بود. بهترین دلیل بر عشق عبادی وی این است که با اینکه تمام کارهای خانه را به حکم تقسیم رسول‌الله تقبل نموده بود و باید گندم را با آسیاب دستی آرد کرده و طبخ نماید و... که طبعاً از کثرت کار، خسته و ناتوان می‌گردید و شب را باید استراحت می‌کرد، اما فرزندش امام حسن می‌فرماید: مادرم از سحر تا سپیده صبح، پیوسته رکوع و سجود به جا می‌آورد و می‌شنیدم که مؤمنین و مؤمنات را دعا می‌کرد و آنها را نام می‌برد.

۳. سیره حضرت زهرا درباره حجاب و حریم بسیار حساس بود. آن حضرت در رعایت فرمان الهی در رابطه با حجاب و فاصله نامحرم بی‌نظیر بود. چنان به این موضوع پایبند بود که هنگام بیماری و در بستر شهادت، یکی از غصه‌های او این بود که پس از ارتحال، مبدا بدن او را به گونه‌ای حمل کنند که نامحرم حجم آن را ببیند.^۱

۴،۱،۱. نماز

نماز در سیره عبادی اهل بیت (علیه السلام) نماز از جایگاه خاصی برخوردار است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت پس از معرفت و ایمان به خداوند، هیچ امری به این اندازه مورد توجه ایشان نبوده است.

۱. مقاله رفتارشناسی فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، ۱۰ صبح، ۱۴/۶/۱۳۹۴،

از این رو در وصایای خود، نزدیکان و پیروان‌شان را به طور خاص به نماز سفارش کرده‌اند. حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز برای نماز، اهتمام و احترام خاصی قائل بوده اند که موارد زیر بیان گر آن است.^۱

۱. داشتن محراب و جایگاه عبادت در خانه

در روایات و اقوال تاریخی مکرر آمده است که حضرت زهرا (سلام الله علیها) در خانه صاحب محراب و جایگاه خاص برای عبادت بوده است^۲ به طور مثال امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید:

«رأيت أمي فاطمة عليها السلام قامت في محرابها ليلة جمعتها...^۳؛ مادرم فاطمه را در شب در محراب عبادتش دیدم...»

همچنین در تاریخ آمده که روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) آمدند و سراغ ایشان را گرفتند و فرمودند: «این ابنتی؟» جواب دادند: «فی محرابها» کجاست دخترم؟ جواب دادند در محراب عبادتش می باشد.

۱. رضا هاشمی، مقاله سیره عبادی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، ۱۱ صبح، ۱۳/۶/۱۳۹۴،

<http://www.farsnews.com>

۲. مقاله رفتار شناسی فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، ۱۰ صبح، ۱۴/۶/۱۳۹۴،

<http://www.tebyan.net>

۳. عبد الله بن نور الله بحرانی اصفهانی، همان، ص ۱۵۲.

۲. لباس و عطر مخصوص نماز

از جمله سیره های عبادی ایشان، توجه به بوی خوش و لباس مخصوص در نماز بود.^۱ گزارش شده است آن حضرت در واپسین لحظه های زندگی، پس از وضو گرفتن به اسماء فرمودند:

«ای اسماء عطر مرا، همان عطری که همیشه می زنم و پیراهنی را که همیشه در آن نماز می گذارم، بیاور و بر بالینم بنشین، هرگاه وقت نماز شد، مرا از خواب بیدار کن. اگر بیدار شدم که نماز می گزارم و گر نه کسی را دنبال علی (علیه السلام) بفرست تا بیاید.»^۲

۳. خوف و خشوع در نماز

سرور زنان دنیا و بانویی بهشتی که اولیاء خدا به او مباحات می کنند، به هنگام عبادت، چنان خوف و خشیت الهی در بدنش ظاهر می شد که تمام وجودش به لرزه می افتاد و تمام اعضا و جوارحش ترسان و لرزان می گشت.^۳ «کانت فاطمة (سلام الله علیها) تنهج فی صلاتها من خوف الله تعالی؛^۴ حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در نمازش از ترس خدا نفس نفس می زد و گریه در گلویش می شکست.»

۱. مقاله رفتارشناسی فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، ۱۰ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۴،

<http://www.tebyan.net>

۲. علی بن عیسی اربلی، همان، ج ۱، ص ۵۰۰.

۳. رضا هاشمی، مقاله سیره عبادی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، ۱۱ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۳،

<http://www.farsnews.com>.

۴. عبد الله بن نور الله بحرانی اصفهانی، همان، ص ۱۰۵.

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) درباره عبادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) می فرماید:

«آن گاه که دخترم فاطمه (سلام الله علیها) در محراب عبادت، در پیش گاه پروردگار به نماز می ایستد، نور عبادتش برای ملائکه آسمان درخشیدن می گیرد؛ به سان نور ستارگان برای اهل زمین و خداوند پر عزت و جلالت، خطاب به فرشتگانش می فرماید: «ملائکه من! بر بنده ام فاطمه، سرور کنیزانم، نظر کنید؛ بر درگاه من ایستاده، در حالی که بند بند وجودش از خوف من مرتعش و لرزان است و با تمامی قلب به عبادت من روی نهاده است...»^۱

۴،۲. دعا

انسان موجودی سراسر نیاز است که هر چه برای رفع آن کوشیده، بیش تر متوجه فقر خود شده است. انسان برای ادامه حیات محتاج صدها نعمت الهی است و روانش بیش تر از تن، نیازمند هزاران عنایت الهی.

خداوند بی نیاز نیز تمام نعمتها را در پرتو تلاشها و خواستهها، همراه با لطف بی منتهای خود در اختیار بندگان قرار داده است. ارتباط با آن ذات بی نیاز و کریم بی نهایت، برای درخواست حاجتهای جسمی و روحی در اتصال به مبدأ بی نهایت قدرت است، که اگر هم حاجتی برآورده نشود و دعایی مستجاب نگردد، خود این ارتباط و اتصال، آرامش بخش، نشاط آور و نشانه توفیقی است که خداوند به دعاکننده عطا کرده است.

۱. رضا هاشمی، مقاله سیره عبادی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، ۱۱ صبح، ۱۳/۶/۱۳۹۴،

هر چه زمان می گذرد، احساس نیاز به دعا و معنویات بیش تر می شود. دعا، هم نیاز فطری انسان برای یافتن تکیه گاه است و هم برآورنده نیازها؛ اما چگونه باید دعا کرد و با خدای بی نیاز چگونه باید حرف زد؟

برای درک این چگونگی دست به دامن معصومانی می شویم که راههای ارتباط با خدا را به خوبی دانسته، و در زندگی خویش بهترین و بیش ترین بهره ها را از دعا برده اند. آنچه پیش روست، سیری در رفتار و گفتار حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) پیرامون دعا و نیایش است.^۱

۱،۲،۴. اهمیت دعا

روز رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: دخترم! آیا دوست داری دعایی به تو بیاموزم که هیچ کس آن را نمی خواند؛ مگر آنکه خواسته هایش تحقق می پذیرد؟ فاطمه (سلام الله علیها) در پاسخ پدر عرض کرد: «یا اَبه! لَهَذَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا»^۲ پدر جان! چنین چیزی از دنیا و آنچه در آن است نزد من محبوب تر است»

جمله فوق، جمله بلندی در اهمیت دعا است که جز قدم گزارندگان این وادی کسی عمق آن را درک نمی کند.^۳

۱ . رضا هاشمی، مقاله سیره عبادی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، ۱۱ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۳،

<http://www.farsnews.com>

۲ . محمدباقر مجلسی، همان، ج ۹۲، ص ۴۰۵.

۳ . مقاله رفتار شناسی فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، ۱۰ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۴،

<http://www.tebyan.net>

۴,۲,۲. سفارش به دعا

نه تنها صدیقه طاهره خود اهل دعا و راز و نیاز بود؛ بلکه دیگران را نیز بدان سفارش می نمود. پس از وفات رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، زنان بنی هاشم در منزل آن حضرت اجتماع و گریه‌زاری می کردند و افتخارات گذشته را بر می شمردند. حضرت زهرا (سلام الله علیها) به آنان فرمود: «اتْرُكْنَ التَّعَدَادَ وَ عَلَيَكُنَّ بِالْدُّعَاءِ»^۱ دست از شمارش [افتخارات] بردارید و به دعا بپردازید.

حضرت نه تنها در زمان حیات به این مسئله اهمیت می داد بلکه پس از شهادت خویش نیز سفارش کرد برایش دعا کنند؛ چرا که انسان پس از مرگ نیز نیازمند دعا است.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) در وصیت خویش به علی (علیه السلام) فرمود:

«إِذَا أَنَامْتُ فَتَوَلَّيْ أَنْتَ غُسْلِي وَجَهْرَنِي وَصَلِّ عَلَيَّ وَأَنْزِلْنِي قَبْرِي وَالْحِدْنِي وَسَوِّ الثُّرَابَ عَلَيَّ وَاجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِي قُبَالَةَ وَجْهِی فَكَثِّرْ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَالدُّعَاءِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يَحْتَاجُ فِيهَا إِلَى أَنْسِ الْأَحْيَاءِ...»^۲ وقتی من وفات کردم، تو غسل و کفن مرا بر عهده گیر و بر من نماز بگذار و مرا درون قبر قرار ده، دهنم کن و سنگ قبر را بر روی قبرم گذار [و خاک بر آن بریز] و آن را هماهنگ و صاف نما، آن گاه بالای سرم روبروی من بنشین، و زیاد قرآن بخوان و دعا کن؛ زیرا در چنین لحظه‌هایی [میت] به انس گرفتن با زندگان [سخت] محتاج است!

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۲۲، ص ۵۲۲.

۲. همان، ج ۷۹، ص ۲۷.

۴,۲,۳. دعا برای جسم و روح

گاه انسان در ضمن دعا یک سلسله کمالات معنوی و اخروی را از خداوند می خواهد. این نوع درخواست، گاه درخواست کمالات به صورت غیرمستقیم، از طریق عذرخواهی، مناجات و طلب عفو است و گاهی درخواست کمالات به صورت مستقیم و صریح،^۱ مانند:

«...اللَّهُمَّ فَرِّغْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ، وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا تَكَفَّلْتَ لِي بِهِ، وَلَا تُعَذِّبْنِي وَ اَنَا اسْتَغْفِرُكَ، وَلَا تَحْرِمْنِي وَ اَنَا أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ ذَلِّلْ نَفْسِي وَعَظِّمْ شَأْنَكَ فِي نَفْسِي وَالْهَمْنِي طَاعَتَكَ وَالْعَمَلْ بِمَا يُرْضِيكَ وَالتَّجَنُّبَ لِمَا يَسْخَطُكَ...»^۲ خدایا! مرا برای آنچه آفریده ای (عبادت و بندگی) آماده کن، و به آنچه خود عهده دار آن هستی و برایم تضمین نموده ای (رزق و روزی) مشغولم نکن، و عذابم ننما، در حالی که استغفار می کنم! و محرومم نفرما، در حالی که درخواست می نمایم! خدایا! نفسم را [پیش خودم] خوار کن و مقامت را در نفسم بزرگ جلوه ده، و طاعت خود و عمل به آنچه رضای تو در آن است و دوری از غضب را به من الهام نما.»

۴,۲,۴. زمان شناسی و اهمیت به آن در دعاء

ارتباط با خدا در فرهنگ اسلام کاری لازم و توأم با آداب و قوانین خاص خود می باشد یکی از آداب دعاء، زمان شناسی در باب دعاء است. یکی از زمان های توصیه شده برای ارتباط با خدا شب های جمعه و غروب روز جمعه است به همین دلیل در سیره عملی حضرت علاوه بر عنصر زمان شناسی به معنای عام آن زمان شناسی و استفاده از فرصت های طلائی معنوی هم وجود دارد به همین دلیل

۱ . مقاله دعا در رفتار و گفتار فاطمه زهرا (س)، ۱۰ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۴، <http://www.t-pasokhgoo.ir>

pasokhgoo.ir

۲ . عبد الله بن نور الله بحرانی اصفهانی، همان، ج ۱۱، ص ۳۲۸.

برای عبادت و دعا در شب و روز جمعه برنامه های خاص را پیش بینی و عمل می نمودند که نمونه ای از آن در روایت مذکور آمده است.^۱ حضرت زهرا (علیها السلام) در رابطه با دعای روز جمعه از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل فرمودند که:

«در روز جمعه ساعتی است که هر خواسته خیر و نیکویی در آن ساعت به اجابت می رسد. پرسیدم: یا رسول الله! کدام ساعت است؟ فرمودند: آنگاه که نصف قرص خورشید در افق پنهان شود. از آن پس حضرت زهرا (علیها السلام) در این ساعت غروب جمعه در دعا و خیرخواهی مسلمانان همت می نمود. پس فاطمه به غلام خود فرمود: بر فراز بام درآی و چون دیدی نصف قرص خورشید در هنگام غروب پنهان شد به من خبر ده تا دعا کنم»^۲

۴,۲,۵. دعا در حق دیگران

گاهی انسان از حیطه خود و خواسته های خویش پا را فراتر نهاده و نیازمندیهای مادی و رفع گرفتاری کل جامعه مسلمین را مدّ نظر دارد. در این مرحله انسان از خداوند برآورده شدن نیازها و رفع گرفتاریهای تمام انسان ها را می خواهد. این گونه دعا، هم در زندگی دیگران اثر مستقیم دارد - آنجا که دعا مستجاب و مورد قبول واقع می شود - و هم نسبت به کل افراد اثری غیر مستقیم دارد، تا در مورد نیازمندیهای معنوی و مادی مردم - در صورت توان و قدرت - کوتاهی نکند. در منابع دینی، بر این گونه دعاها بسیار سفارش شده است، از جمله رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

۱. رضا هاشمی، مقاله سیره عبادی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، ۱۱ صبح، ۱۳/۶/۱۳۹۴،

<http://www.farsnews.com>

۲. محمد دشتی، همان، ص ۱۵۲.

«إِذَا دَعَا أَحَدٌ فَلْيَعِمْ فَإِنَّهُ أَوْجِبُ لِلدُّعَاءِ وَ مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِينَ مِنْ إِخْوَانِهِ قَبْلَ أَنْ يَدْعُو لِنَفْسِهِ أُسْتُجِيبَ لَهُ فِيهِمْ وَ فِي نَفْسِهِ»^۱ هرگاه فردی خواست دعا کند، برای عموم دعا نماید؛ زیرا عامل استجابت دعا می شود و کسی که چهل نفر از برادران خود را در دعا قبل از خودش مقدم بدارد، دعای او در حق آنان و خودش پذیرفته می شود.»

از علی بن ابراهیم و او از پدرش نقل شده است که: «عبدالله بن جندب» را در عرفات دیدم، در حالی که دستهایش به سوی آسمان بلند بود و به قدری اشک ریخته بود که زمین زیر پایش گل شده بود. وقتی مردم پراکنده شدند، گفتم: ای ابا محمد! هیچ موفقی را بهتر از موقف تو ندیدم. گفت: به خدا قسم! دعا نکردم جز برای برادران دینی ام؛ چرا که از موسی بن جعفر شنیدم که فرمود:

«مَنْ دَعَا لِإِخْوَانِهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ نُودِيَ مِنَ الْعَرْشِ وَلَكَ مِائَةُ أَلْفٍ ضِعْفٍ مِثْلُهُ»^۲ کسی که برای برادر [دینی اش] در پشت سر دعا کند، از عرش الهی ندا می رسد که برای توست صد برابر [آنچه دعا کردی].» و من دوست ندارم که صدهزار را به خاطر یک دعا [برای خودم] که نمی دانم مستجاب می شود یا نه! ترک کنم.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) خود بنیان گذار چنین مکتب و فرهنگی است؛ لذا نمی تواند در حق دیگران دعا نداشته باشد.

۱ . علی بن حسن طبرسی، همان، ص ۳۳۰.

۲ . محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۷، ص ۱۱۰.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) شب جمعه ای مادر را دید که برای همسایگان، مؤمنان، و... دعا می کند و برای خود دعا نمی نماید. عرض کرد: مادر جان! چرا برای خود دعا نمی کنی؟ فرمود: «الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ؛ 'پسرم! اول همسایه سپس خانه (خود).»

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در آخرین لحظه های عمر خویش، هنگام جدایی از همسر و فرزندان خویش در حق شیعیانش دعا می کرد. اسماء، همسر جعفر طیار نقل می کند: در لحظه های پایانی زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها) متوجه آن بزرگ زن عالم بودم که ابتدا غسل کرد و لباسها را عوض نمود و در خانه مشغول راز و نیاز با خدا شد. فاطمه را دیدم که رو به قبله نشسته و دستها را به سوی آسمان برآورده، چنین دعا می کند:

«إِلَهِي وَسَيِّدِي! أَسْأَلُكَ بِالَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ وَبِبُكَاءِ وَلَدَيَّ فِي مُفَارَقَتِي أَنْ تَغْفِرَ لِعُصَاةِ شِيعَتِي وَشِيعَةِ ذُرِّيَّتِي؛^۱ خدای من! و آقای من! به حق پیامبرانی که آنها را برگزیدی و به گریه های دو فرزندم حسن و حسین (علیهم السلام) در فراق من، از تو می خواهم از گناهکاران شیعیان من و شیعیان فرزندان من درگذری.»

راستی این نهایت غمخواری و مهربانی است که در اوج غصه ها و گرفتاریهای خویش، از درد پهلوی گرفته تا مظلومیت امامش، این همه به فکر شیعیان خود باشد و در حق آنان دعا کرده و خود را فراموش نماید.^۲

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۳، ص ۴۲۸.

۲. محمد دشتی، همان، ص ۱۴۸.

۳. مقاله دعا در رفتار و گفتار فاطمه زهرا (س)، ۱۰ صبح، ۱۴/۶/۱۳۹۴، <http://www.t-pasokhgoo.ir>

۴,۳. روزه

روزه در اسلام عملی است که انسان از اذان صبح تا اذان مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می‌کند خودداری نماید. روزه وسیله‌ای برای تقرب به خداوند، پالایش بدن در راستای درک امور معنوی، کفّاره بعضی از گناهان است. زیربنای همه این کاربردهای روزه، تمایل انسان به پدید آوردن شرایط جسمی و روانی است که وسیله‌ای برای ارتباط میان بنده با خدای خود می‌باشد و در نتیجه جایگاه نیازهای معنوی را اعتلا بخشیده و خواسته‌های مادی را کوتاه می‌نماید. افزایش اراده و کف نفس و نیز ایجاد حسّ شفقت نسبت به نیازمندان از ارزش‌های روزه به شمار می‌آید. که می‌توان روزه داری و ارزش‌های آن را در سیره ائمه معصومین (علیهم السلام) به عنوان الگو استفاده نمود که در زیر به دو نمونه از سیره حضرت زهرا (سلام الله علیها) اشاره می‌شود.

۴,۳,۱. نذر روزه

نذر یعنی واجب کردن چیزی بر نفس خود در برابر تحقق خواسته، هدف یا آرزویی که انسان دارد. در واقع، چنین شخصی چیزی را از خدا می‌خواهد و در برابر، فدیهِ ای از قبیل قربانی، اهدای پول، انجام حج، ساختن بنا، گرفتن روزه و غیره می‌پردازد.

گاهی شدت اضطراب، شخص درمانده و پریشان را به انجام نذر روزه ترغیب می‌کند تا بدین وسیله باشد تا خداوند او را از بند آن گرفتاری‌هایی بخشد.

نذر، ریشه قرآنی دارد. خداوند در سوره آل عمران از همسر عمران نام برده که نذر کرد خداوند به او فرزندی عطا کند تا او را از قید کار و مسؤولیت خانه آزاد کرده و به خدمتگزاری معبد بگمارد.

بر این اساس، حضرت زهرا (سلام الله علیها) و حضرت علی (علیه السلام) به سفارش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگام بیماری امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) نذر کردند که برای شفای فرزندان شان روزه بگیرند. از این رو، حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و فضه بعد از شفای فرزندان شان سه روز روزه گرفتند و بدین وسیله شکر نعمت سلامتی آن دو امام را به جا آوردند.

۲،۳،۴. روزه واقعی

در سیره ائمه (علیهم السلام) بیان شده که فلسفه روزه تنها به امساک از خوردن و آشامیدن نیست بلکه باید تعهد انسان در برابر مسئولیت هایش را نیز افزایش دهد و اعضا و جوارح انسان نیز روزه دار باشد.

از بحار الانوار نقل شده که حضرت زهرا (سلام الله علیها) سید زنان عالم در آداب روزه داری فرمودند:

«ما یصنع الصائم بصیامه اذا لم یصن لسانه و سمعه و بصره و جوارحه؛^۱ روزه داری که زبان و گوش و چشم و جوارح خود را حفظ نکرده روزه ایش به چه کارش خواهد آمد؟»

جعفر بن محمد (علیه السلام) از آباء گرامی اش از حضرت فاطمه (سلام الله علیها) روایت می کند که حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود: صائم با روزه خویش کاری نکرده (یعنی حق روزه را ادا نکرده) هرگاه زبان و گوش و چشم و جوارحش را از (آنچه که بر آنها حرام است) حفظ نکرده باشد.

۱. عبد الله بن نور الله بحرانی اصفهانی، همان، ج ۱۱، ص ۹۱۳.

بر اساس این روایت روزه یک انسان فقط به حفظ شکم از خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و مبطلات نیست، بلکه اجتناب از گناهان و معصیت و پرهیز از تمامی محرمات روزه واقعی محسوب می‌شود.^۱

۴،۴. معنویت حتی در شب ازدواج

اهتمام به عبادت در سراسر زندگی و در تمامی فراز و نشیب‌های حیات این انوار مقدسه ظاهر بوده است. حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز به هنگام عبادت، آن چنان در عظمت حق غرق می‌گشت و از خود بی‌خود می‌شد که از فکر عزیزان و فرزندان خویش نیز با تمامی علاقه‌ای که به آنان داشت، جدا می‌گشت، از این رو پروردگار نیز ملائکه‌ای را می‌فرستاد تا گهواره‌ی فرزندان او را حرکت دهند.^۲

ایشان حتی در شب ازدواج، از حضرت علی (علیه السلام) می‌خواهد که با هم به نماز بایستند و در این شب، خدا را عبادت کنند. «فانشدک ان الله ان قمت الى الصلوة فنعبد الله تعالى هذه الليلة»^۳ آن‌گاه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از او پرسید: اکنون فرشته‌ی وحی در کنار من است و از جانب خدا پیام آورده است و هر آن چه بخواهی تحقق می‌پذیرد. چه درخواستی داری؟ او در جواب گفت: «قالت شغلنی عن مسئلته لذۀ خدمته، لاجابة لی غیر النظر الی وجهه الکریم فی دارالسلام؛^۴ لذتی که از خدمت به خدا می‌برم، مرا از هر خواهشی بازداشته است. مرا حاجتی جز این نیست که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای حضرت حق در آخرت باشم.»

۱. مقاله آداب روزه‌داری در سیره حضرت زهرا (س)، ۱۱ صبح، ۱۳/۶/۱۳۹۴،

<http://www.ghatreh.com>

۲. رضا هاشمی، مقاله سیره عبادی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، ۱۱ صبح، ۱۳/۶/۱۳۹۴،

<http://www.farsnews.com>

۳. نورالله حسینی مرعشی تستری، احقاق الحق، ج ۴، تهران: بی جا، ۱۳۵۱، ص ۴۸۱، ح ۴۱.

۴. محمد روحانی علی آبادی، همان، ص ۹۲۳.

همچنین حضرت علی (علیه السلام) در آن شب همسرش را نگران و گریان دید. علت را پرسید. فاطمه فرمود: حال خود را در پایان عمر و عالم قبر به یاد آوردم؛ چراکه انتقال از خانه پدرم به منزل خودم، مرا به یاد انتقالم به قبر انداخت. تو را به خدا قسم بیا در این ساعات آغازین زندگی، به نماز برخیزیم و امشب را به عبادت خدا بپردازیم.

آری، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) این اسوه کمال و دردانه بانوان جهان، در شیرین ترین و خاطره انگیزترین لحظه های زندگی نیز از هدف خلقت خویش غافل نمی شود و از همسرش می خواهد که از آن شب نیز برای تقرب به خداوند استفاده کنند. شخصیت زهرای اطهر از همان شب اول چنان برای علی (علیه السلام) جلوه می یابد که وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از حضرت علی (علیه السلام) می پرسد: همسرت را چگونه یافتی؟ بی درنگ می گوید: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ»^۱ بهترین یار و یاور برای اطاعت و عبودیت خداوند.

۴,۵. رعایت عفت و حیا

دین مبین اسلام، به عنوان آیین جامع و کامل خداوند متعال، در حمایت از شخصیت انسانی و معنوی زن در جهت حفظ عفت عمومی، دستورهای حکیمانه ای مبتنی بر لزوم رعایت عفت و حیا در ابعاد گوناگون صادر نموده است.

قرآن یکی از ویژگی های مؤمنان راستین را، عفاف و پاک دامنی می داند و می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ»^۲ آنان [مؤمنان] کسانی هستند که دامن خویش را از بی عفتی حفظ می کنند.

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۵۶، ص ۳۹۵.

۲. مومنون (۲۳)، آیه ۵.

به طور کلی، عفت را می توان یک صفت انسانی و ملکه ی نفسانی و زینت باطنی دانست که موجب می شود تمام اعمال و حرکات و گفتار و پوشش انسان، عفیفانه و فاقد ردیلت های شهوانی و هوس مآبانه باشد.^۱

عفاف از یک سو به عنوان یک مسئله ی اصلی و بنیادین و فراتر از حجاب و پوشش مطرح است و از سوی دیگر، رابطه ی تنگاتنگی با آن دارد؛ چرا که به عنوان یک خصلت و ارزش اختیاری، پوشش را به ارمغان می آورد و به طور کلی، می توان حجاب را میوه و ثمره ی عفاف دانست.

گفتنی است شرم، حیا و اشتیاق به عفاف و پاک دامنی، یک تدبیر نهفته در خلقت و فطرت زن است که او را وادار می سازد به طور ناخودآگاه، خود را از چشم نامحرم بپوشاند. به عبارت دیگر، گرایش زن به حفظ عفت خویش، از احساس فطری و الهام غریزی وی نشأت می گیرد.

حضرت زهرا ی اطهر (سلام الله علیها) بانوی بزرگواری که مظهر کمالات الهی و برترین اسوه ی انسان ها به ویژه زنان هستند، از نظر عفاف و حجاب الگوی بی نظیری هستند. با دقت در سیره و زندگانی آن حضرت به اوج عظمت ایشان می توان پی برد.

در این راستا، به طور کلی جلوه های عفاف و حیا در سیره ی حضرت زهرا (سلام الله علیها) را در چند محور مورد بررسی قرار می دهیم:

۴,۵,۱. حیا در نگاه

قرآن مجید برای حفظ عفت در جامعه، برای مردان و زنان وظیفه مشترکی را مقرر داشته و آن، حیا در نگاه کردن است: «به زنان و مردان مؤمن بگو چشم های خود را از نامحرم فرو گیرند»^۱

۱. فاطمه فرهادیان، مقاله عفاف در رفتار، فصلنامه تخصصی اخلاق، ۱۳۸۹، شماره ۲۱.

در آیه فوق، کلمه «يَغْضُو» آمده که به معنای کم کردن است؛^۲ یعنی مؤمن باید نگاه خود را کوتاه کند.

از امام باقر (علیه السلام) منقول است که: «فإن الله جعل الحياء في العينين؛^۳ خداوند، حیا را در چشمان قرار داده است.» از ابن عباس نقل شده که خداوند به داوود (علی نبینا و آله و علیہ السلام) وحی نمود که از سلیمان (علی نبینا و آله و علیہ السلام) راجع به چهارده کلمه سؤال نماید، پس اگر جواب داد، علم و نبوت را در او به ارث گذارد (یا به ارث برده است) ... گفت: جایگاه حیا از تو کجاست؟ (در جواب) فرمود: چشمان.^۴

در این رابطه از یکی از معصومین (علیهم السلام) رسیده که پدر و مادر حق ندارد که به عورت فرزندشان نگاه کنند و فرزند (نیز) حق ندارد که به عورت پدر و یا مادر خود نگاه کند.^۵

حضرت زهرا (سلام الله علیها) همان کسی است که زن نیکو و شایسته را زنی می داند که مردی را نبیند و مردی او را نبیند.^۶

۱. نور (۲۴) آیه ۳۰ - ۳۲.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۳۶.

۳. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۵۸، ص ۳۳۱.

۴. «ان الله اوحى الى داود ان يسأل سليمان عن اربع عشرة كلمة فان اجاب ورثه العلم و النبوة... قال: اين موضع الحياء منك؟ قال العينان...»؛ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۵۸، ص ۳۳۱.

۵. «لَيْسَ لِلْوَالِدَيْنِ أَنْ يَنْظُرَا إِلَى عَوْرَةِ الْوَلَدِ وَ لَيْسَ لِلْوَلَدِ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عَوْرَةِ الْوَالِدِ»؛ محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲، ص ۵۶.

۶. مقاله عفاف و حجاب در سیره حضرت زهرا (علیها السلام)، ۱۲ ظهر، ۱۳۹۴/۶/۱۵.

۲، ۵، ۴. حیا در گفتار

حضرت موسی (علیه السلام) خطاب به باری تعالی فرمودند: همانا من شرم دارم که با زبانم که به وسیله آن، با تو سخن گفتم، با غیر از تو سخن بگویم، پس شرمساری من از تو، مرا از سخن گفتن با غیر تو منع می نماید^۱ در این روایت، شدت حیاء گفتاری حضرت موسی (علیه السلام) نسبت به حق تعالی، بیان شده است. از ابابصیر نقل شده که گفت: من در کوفه برای زنی، قرآن قرائت می کردم، پس با او شوخی نمودم. وقتی بر ابا جعفر امام باقر (علیه السلام) وارد گشتم، آن حضرت مرا مورد عتاب قرار داده و فرمودند: کسی که در خلوت مرتکب گناه شود، خدا به او بی توجه و بی اعتنا گردد. به آن زن چه گفتی؟ پس صورتم را از شرمساری پوشاندم و توبه نمودم. سپس ابا جعفر (علیه السلام) فرمودند: تکرار نکن.^۲

در این مورد، احکام فقهی زیاد و متنوعی وجود دارد که به برخی از آن اشاره می گردد: اول آنکه صحبت نمودن مرد با زن نامحرم و نیز گفتگوی زن با مرد نامحرم در غیر ضرورت مکروه است.^۳ دیگر آنکه جایز نیست خانمی به قصد به حرام انداختن نامحرم با او صحبت کند، خواه مطالبی را بگوید که او به گناه بیفتد یا به گونه ای بگوید که نامحرم به گناه آلوده شود مانند: تعریف صحنه های محرک و یا بیان چیزهایی که نامحرم با شنیدن آن تحریک شود.^۴ همچنین اگر مردی خوف آنرا داشته باشد که چنانچه با نامحرمی صحبت کند، آن زن او را به گناه آلوده خواهد کرد نباید با او صحبت

۱. «إني أستحي أن أكلم بلساني الذي كلمتك به غيرك فيمنعني حيائي منك عن محاوره غيرك»؛ محمد بن علی

ابن بابویه، علل الشرایع، ج ۱، قم: کتاب فروشی داورى، ۱۳۸۵، ص ۶۷.

۲. «رَوَى عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ كُنْتُ أَقْرَبُ امْرَأَةً الْقُرْآنَ بِالْكُوفَةِ فَمَارَحَتْهَا بِشَيْءٍ فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَاتَبَنِي وَقَالَ مَنْ ارْتَكَبَ الذَّنْبَ فِي الْخَلَاءِ لَمْ يَعْباَ اللَّهُ بِهِ أَى شَيْءٍ قُلْتُ لِلْمَرْأَةِ فَفَطِيتُ وَجْهِي حَيَاءً وَتُبْتُ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) لَا تَعْلُ؛ محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، همان، ج ۴۶، ص ۲۴۷.

۳. مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد، قم: بوستان، ۱۳۸۳، ص ۱۵۳ و ۱۵۸.

۴. همان، ص ۱۵۸.

کند.^۱ و اگر مردی به قصد به حرام انداختن نا محرمی با او صحبت کند حرام است.^۲ و صحبت کردن با هر کسی درباره هر چیزی از روی شهوت و لذت جایز نیست (مگر با همسر).^۳

خشنودی حضرت فاطمه (سلام الله علیها) از محول شدن انجام کارهای خانه و معاف شدن از کار در بیرون منزل در تقسیم کار توسط حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) به اوج عفت و حیای ایشان در خودداری از اختلاط با مردان و محفوظ ماندن از نامحرمان اشاره دارد.

روایت است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در زمینه ی تقسیم کار این گونه داوری کردند: فاطمه (سلام الله علیها) را مأمور به انجام امور داخل خانه نمود و علی (علیه السلام) را نیز به امور خارج از خانه مأمور ساخت. دختر پیامبر از این تقسیم کار فوق العاده خوش حال شد و چنین اظهار داشت: «جز خداوند نمی داند که من از چنین تقسیمی چه قدر خوش حال شدم زیرا پدرم رسول خدا مرا از گریبان گیر شدن با مردان معاف داشته است»^۴

۴,۵,۳. حیا در پوشش

بر اساس متون دینی، حیا لباسی است بر قامت عریان یک شی. حیا را می توان پوشش انسانیت دانست. انسان بدون حیا، جلوه ای عریان، دریده و نازیبا دارد. به وسیله ی حیاست که قامت رعنائی انسان، خلعتی زیبا می یابد. به همین جهت، امام علی (علیه السلام) حیا را با تعبیر لباس و حجاب و

۱. همان، ص ۱۵۵.

۲. همان، ص ۱۵۴.

۳. همان، ص ۱۵۶.

۴. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

پوشش، یاد می کند و می فرماید: «حیا، لباسی بلند و حجابی منع کننده و پوششی نگه دارنده از بدی هاست.»^۱

که یکی از جلوه های بارز حیا، اصل پوشش و نوع پوششی است که انسان برای خویش انتخاب می نماید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از عریان شدن چه در شب و چه در روز نهی فرمودند.^۲ و نتیجه آن (عریان شدن) را امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اینگونه بیان فرمودند: «هنگامی که یکی از شما برهنه گردد، شیطان به او نظر کند، پس در او طمع نماید، پس خود را بپوشانید.»^۳ حتی پوشش های کوتاه و نازک حکایت از حیای ناقص و رقیق دارد.^۴

در رابطه با پوشش، بحث های زیادی در فقه اسلامی وجود دارد که به عنوان مثال پوشیدن هر گونه لباسی که عرفاً مهیج است و جلب توجه نا محرم می کند، حرام است چه برای زن و چه برای مرد.^۵ از آنجا که پوشش برای زن از اهمیت خاصی بر خوردار می باشد آمده است: بر زنان واجب است تمام بدن خود را به استثنای وجه و کفین از نا محرم بپوشانند مشروط به آنکه: وجه و کفین آنها زینت نداشته باشد و کسی به قصد لذت و ریه^۶ به وجه و کفین آنها نگاه نکند.^۷

۱. عبد الحمید بن هبه الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲۰، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۷۲.

۲. «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) عَنِ التَّعَرَّى بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ»؛ مسعود بن عیسی ورام ابن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۲، قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۵۹.

۳. «إِذَا تَعَرَّى أَحَدُكُمْ نَظَرَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ فَطَمَعَ فِيهِ فَاسْتَرَوْا»؛ حسین بن محمد تقی نوری، همان، ج ۲، ص ۳۹.

۴. عباس پسندیده، غنچه های شرم، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۲، ص ۴۳.

۵. مسعود معصومی، همان، ص ۱۴۴.

۶. «ریه یعنی خوف در فساد افتادن»: مسعود معصومی، همان، ص ۳۹.

۷. همان، ص ۱۰۸.

لازم است که بیان شود که حیا در زنان بیشتر از مردان است و خداوند متعال، نه برابر حیائی که به مردان داده است را برای زن مقرر فرموده است.^۱ امام صادق (علیه السلام) در ادامه فرمایش سابق، فرمودند: پس هنگامی که (زن) ختنه شود، جزئی از حیائش می رود، و هنگامی که ازدواج نماید، جزئی (دیگر از حیائش) می رود، پس هنگامی که زناشوئی، جزئی (دیگر از حیا او) می رود و هنگامی که وضع حمل نماید، جزء (دیگری از حیائش) برود و برای او پنج جزء (از ده جزء حیا) باقی می ماند؛ پس هنگامی که زنا دهد، کل حیا او برود و اگر عفت خود را حفظ نماید، پنج جزء (از حیا باقی مانده اش) باقی می ماند.^۲ امیر المؤمنین علی (علیه السلام) حکمت این گونه تقسیم بندی حیا در زن و مرد را به این صورت بیان فرمودند: خداوند، شهوت را ده جزء آفرید؛ پس نه جزء را در زنان قرار داد و یک جزء را در مردان و اگر خداوند به اندازه اجزاء شهوت، حیا در زنان قرار نمی داد، هر نه زنی بند یک مرد می شدند (یا برای هر مردی، نه زن واجب می گردید).^۳

روزی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در بستر بیماری به «أسماء بنت عمیس» فرمود: «من بسیار زشت می دانم که جنازه ی زن را پس از مرگ، بر روی تابوت سر باز گذاشته، بر روی آن پارچه ای

۱. «الْحَيَاءُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تَسَعُ فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدَةٌ فِي الرِّجَالِ»؛ محمد بن علی ابن بابویه، همان، ج ۳، ص ۴، ۸.

۲. «فَإِذَا خُفِضَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ مِنْ حَيَائِهَا وَإِذَا تَزَوَّجَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ فَإِذَا افْتَرَعَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَإِذَا وَلَدَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَبَقِيَ لَهَا خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ فَإِذَا فَجَرَتْ ذَهَبَ حَيَاؤها كُلُّهُ وَإِنْ عَفَّتْ بَقِيَ لَهَا خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ»؛ عبد الله بن نور الله بحرانی اصفهانی، همان، ج ۲۰، ص ۷۶۷.

۳. «خَلَقَ اللَّهُ الشَّهْوَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ فَجَعَلَ تِسْعَةَ أَجْزَاءٍ فِي النِّسَاءِ وَجُزْءًا وَاحِدًا فِي الرِّجَالِ وَلَوْ لَا مَا جَعَلَ اللَّهُ فِيهِنَّ مِنَ الْحَيَاءِ عَلَى قَدَرِ أَجْزَاءِ الشَّهْوَةِ لَكَانَ لِكُلِّ رَجُلٍ تِسْعُ نِسْوَةٍ مُتَعَلِّقَاتٍ بِهِ»؛ محمد باقر مجلسی، همان، ج ۲۰، ص ۱۰۰.

می افکنند، [طوری] که حجم بدن مشخص می گردد. مرا بر روی تابوت آن چنانی مگذار و بدن مرا بپوشان که خدا تو را از آتش جهنم بازدارد.»^۱

چنین بانوی با عظمت و بی نظیری را به حق می توان باشخصیت ترین، اجتماعی ترین و در عین حال عقیف ترین انسانی بدانیم که باید سرمشق خویش در تمام راه و رسم زندگی قرار دهیم.^۲

آنچه بیان شد نمایشگر توان اندکی بود که برای نمایاندن پرده هایی از اسرار نگفته حیات سراسر شور و نور فاطمه (علیه السلام) به عمل آمد و به هیچ صورت نمی تواند حق مطلب را درباره بانوی معظم اسلام، نمونه عینی یک انسان متعالی و هدفمند و الگوی کامل و حقیقی زن ادا کرده باشد. این نوشتار مانند تلاش کمی می ماند که به خیال ساختن قصری بلند و زیبا در سر، به گردآوری پاره سنگ ها و آجرهایی محدود می شود.

۱. علی بن عیسی اربلی، همان، ج ۲، ص ۶۷.

۲. عباس پسندیده، همان، ص ۴۴.

نتیجه گیری

از مهم ترین روش ها در تربیت، روش الگویی است، زیرا تأثیر شخصیت الگو، در شکل گیری رفتار و منش تربیت شونده به مراتب بیش تر از موارد دیگر است.

بنابراین باید الگویی انتخاب شود که بتوان با توسل به آن الگو به درجات بالای رشد رسید که در این راستا بهترین الگو می تواند ائمه اطهار (علیهم السلام) باشند و در بین تمام معصومین (علیهم السلام) می توان گفت عالی ترین الگوی قابل پیروی برای انسان ها به ویژه زنان، حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می باشند. چرا که ایشان بهترین الگو در خانواده هستند، بهترین همسر، بهترین یار در اطاعت خدا، مطیع و ایثارگر، سازگار و ساده زیست بوده اند.

بهترین مادر برای فرزندان، زیرا به همه ی نیازهای جسمی، عاطفی و روحی فرزندان توجه کرده و با استفاده از بازی و حتی جلوه های هنری به آموزش و تربیت آن ها پرداخته اند.

بهترین فرزند برای والدین، چرا که دلسوزی و پرستاری ایشان برای پدر به جایی رسید که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ایشان را مادر پدر (ام ابیها) نامیدند. همچنین ایشان با اهتمام به عبادات (نماز، دعا و روزه) و آموزش آن به فرزندان و توجه دادن به عفت و حیا، معنویت را در خانواده به بهترین نحو حاکم کردند.

بنابراین یک زن یا مادر نمونه می تواند در زندگی خودش از حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) الگو بگیرد و منش و رفتار و سیره این الگو را به تمام اعضای خانواده سرایت دهد و همچنین خانواده نمونه می تواند مبدأ انتقال این فرهنگ از نسلی به نسل دیگر باشد.

پیشنهادهات

- حوزه ها

پیشنهاد می شود این مطالب به صورت کتابچه مورد آموزش قرار گیرد تا طلاب بهتر بتوانند با حضرت زهرا (سلام الله علیها) آشنا شوند و سیره ایشان را در رابطه با خانواده به کار ببرند.

- آموزش و پرورش

پیشنهاد می شود مدیران مدرسه کلاس های مشاوره ای – آموزشی با موضوع فرهنگ فاطمی برای مادران برگزار نمایند. همچنین روابط فرزندان با والدین با هدف تبیین فرهنگ فاطمی در خانواده به دانش آموزان آموزش داده شود.

- ارگان های اجرایی

پیشنهاد می شوند که به صورت بروشورهایی به صورت نکته های آموزنده در سطح شهر پخش شود.

- موسسات فرهنگی

پیشنهاد می شود کلاس های آموزشی به صورت پرسش و پاسخ در مساجد و کانونهای فرهنگی با عنوان فرهنگ فاطمی در خانواده برگزار شود.

منابع و ماخذ

- قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه فیض الإسلام.

کتاب فارسی

۳. احمدی، زین العابدین و حسنعلی احمدی، مقام پدر و مادر در اسلام، قم: انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۸.
۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه، ترجمه علی بن حسین زواره‌ای، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامیّه، بی تا.
۵. انصاری، عذرا، جلوه های رفتاری حضرت زهرا (سلام الله علیها)، چاپ یازدهم، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۶. بابازاده، علی اکبر، تحلیل سیره فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)، چاپ نهم، قم: دانش و ادب، ۱۳۸۶.
۷. بهنام، جمشید، ساختهای خانواده، و خویشاوندی در ایران، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۰.
۸. پسندیده، عباس، غنچه‌های شرم (نگاهی نو به مفهوم حیا)، قم: انتشارات دارالحديث، ۱۳۸۶.
۹. تاجانی، شهرام، گناهان کبیره زبان، ج ۱، قم: شهریار، ۱۳۸۹.
۱۰. حسینی شاهرودی، محمد، الگوهای رفتاری حضرت زهرا (سلام الله علیها) «تربیت فرزندان»، قم: نشر شجره طوبی، ۱۳۷۷ ش.

۱۱. جمشیدی، محمد حسین، مبانی و روش تبیین (با تأکید بر اندیشه سیاسی)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۶۹.

۱۲. دشتی، محمد، نهج الحیاه یا فرهنگ سخنان فاطمه (سلام الله علیها)، قم: مشرقین، ۱۳۷۹.

۱۳. روحانی علی آبادی، محمد، زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام) (ترجمه بحار الأنوار)، تهران: انتشارات مهام، ۱۳۷۹ ش.

۱۴. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۴، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ه.ش.

۱۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، ج ۳، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵.

۱۶. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ سی ام، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴.

۱۷. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، موسوی دامغانی، چاپ سیم، تهران: قدیانی، ۱۳۷۳.

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه حسن مصطفوی، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۱۹. کوئن، بروس، درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا، ۱۳۷۸.

۲۰. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.

۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۹۱.

۲۲. معصومی، مسعود، احکام روابط زن و مرد، قم: بوستان، ۱۳۸۳.

۲۳. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ دوم، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۸۶.

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴

ش.

۲۵. نیمکف، آگبرن، زمینه جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس امیر حسین آریانپور، چاپ پنجم، تهران: افست و فرانکلین، ۱۳۵۰.

۲۶. مهدی نیلی پور، فرهنگ فاطمیه الفبای شخصیتی حضرت زهرا (علیها السلام)، اصفهان: مرکز فرهنگی شهید مدرس، ۱۳۸۷.

کتاب عربی

۲۷. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲۰، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.

۲۸. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.

۲۹. -----، علل الشرایع، ج ۱، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵.

۳۰. -----، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، محقق مهدی لاجوردی، ج ۲، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸.

۳۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)، ج ۳، قم: موسسه انتشارات علاقه، ۱۳۷۹.

۳۲. ابن حمزه، محمد بن علی، الثاقب فی المناقب، قم: موسسه انصاریان، ۱۳۷۰.

٣٣. ابن حيون، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج٢، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ١٣٨٥.

٣٤. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج٨، بيروت: دارالكتب العلميه، بی تا.

٣٥. ابن همام اسكافى، محمد بن همام بن سهيل، التمهيد، محقق مدرسه امام مهدى (عليه السلام)، قم: مدرسه الامام المهدى (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ١٤٠٤.

٣٦. بحراني اصفهاني، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد عليهم السلام)، محقق محمد باقر موحد ابطحي اصفهاني، ج٢٠، قم: مؤسسه الإمام المهدى (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ١٤١٣ ق.

٣٧. جزائري، نعمت الله بن عبد الله، رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار (ع)، ج١، بيروت: مؤسسه التاريخ العربى، ١٤٢٧ ق.

٣٨. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصيل وسایل الشيعه، ج١٥، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤٠٩.

٣٩. حميرى، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، محقق مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، ١٤١٣ ق.

٤٠. طبرسى، على بن حسن، مشكاه الانوار، چاپ دوم، نجف: مكتبه حيدريه، ١٣٨٥.

٤١. طبرى آملی صغير، محمد بن جرير بن رستم، دلائل الإمامة، قم: بعثت، ١٤١٣ ق.

٤٢. طبرى، محب الدين، ذخائر العقبى، بی جا: دارالكتب العلميه، ١٣٨٧.

٤٣. عاملی کفعمی، ابراهيم بن على، المصباح للكفعمی، چاپ دوم، قم: دار الرضى، ١٤٠٥ ق.

۴۴. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین، هاشم رسولی محلاتی، ج ۳، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵.

۴۵. مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محقق حسین موسوی کرمانی؛ علی پناه اشتیاردی، ج ۱۲، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ ق.

۴۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸، بیروت: دارالاحیاء التراث، ۱۴۰۳.

۴۷. مبدی، حسین بن معین الدین، دیوان امیرالمومنین (علیه السلام)، محقق مصطفی زمانی، قم: دار نداء الاسلام للنشر، ۱۴۱۱ ق.

۴۸. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، کنز العمال، ج ۱۵، چاپ پنجم، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ ق.

۴۹. ورام بن ابی فارس، مسعود، مجموعه ورام، ج ۲، قم: مکتبه ی الفقیه، بی تا.

سایت ها و مقالات

۵۰. پناهی، محمد حسین، نظام فرهنگی، کارکرد ها و دگرگونی آن در ارتباط با بحث تهاجم فرهنگی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، نامه پژوهش، ۱- ۲- ۳-.

۵۱. فاطمه فرهادیان، مقاله عفاف در رفتار، فصلنامه تخصصی اخلاق، ۱۳۸۹، شماره ۲۱.

۵۲. نوری، اعظم، الگوهای رفتاری حضرت فاطمه (س) در خانواده (۳)، فصلنامه نامه جامعه، شماره ۵۷.

۵۳. مقاله صفات همسران در خانواده فاطمه زهرا(س) و امیر مؤمنان(ع)، پیام زن - خرداد ۱۳۷۸، شماره ۸۷.

۵۴. جی واکر، آر.بی، مقاله مفهوم فرهنگ در نظریه های روابط بین المللی، ترجمه فاطمه ولیانی، مجله نامه فرهنگ، تابستان و پاییز ۱۳۷۳.

۵۵. توفیقی، امین، مقاله فاطمه (علیهاالسلام) در خانه و جامعه این گونه بود، ۱۲ ظهر، ۱۳۹۴/۶/۱۴، <http://www.tebyan.net>.

۵۶. صفری، حلیمه، الگوهای رفتاری حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها)، ۱۰ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۴، <http://www.ghadeer.org>.

۵۷. هاشمی، رضا، مقاله سیره عبادی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، ۱۱ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۳، <http://www.farsnews.com>.

۵۸. مقاله فرهنگ در گذر زمان و کاربردهای مختلف آن، ۲ صبح، ۱۳۹۴ / ۶ / ۱۵، <http://www.tebyan.net>.

۵۹. مقاله فرهنگ چیست؟، ۵ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۴، <http://www.Tebyan.Net>.

۶۰. مقاله پیوند جمال فاطمی و جلال الهی مبارک، ۱۱ صبح، ۱۳۹۴/۵/۳۰، <http://www.tebyan.net>.

۶۱. مقاله همسر داری در خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها)، ۱۱ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۴، <http://www.Tebyan.Net>.

۶۲. مقاله احسان به والدین تا چه حد لازم است؟ عاق والدین کیست؟، مرکز پاسخگوئی به سوالات دینی، ۱۰ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۴، <http://www.pasokhgoo.ir>.

۶۳. مقاله عفاف و حجاب در سیره حضرت زهرا (علیهاالسلام)، ۱۲ ظهر، ۱۳۹۴/۶/۱۵، <http://www.rahebehesht.org>.

۶۴. مقاله سبک زندگی فاطمی از دیدگاه دو کارشناس مذهبی، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۵/۳۰،

<http://sara.jamejamonline.ir>

۶۵. مقاله جلوه های تربیتی حضرت زهرا (علیهاالسلام) درباره فرزندانش، گنجینه، مهر ۱۳۸۴،

شماره ۵۴.

۶۶. مقاله آموزه های ناب تربیتی در سیره حضرت زهرا (س) (۲)، ۱۲ ظهر،

<http://masaf.ir>، ۱۳۹۴/۶/۱۴

۶۷. مقاله سبک زندگی اسلامی حضرت فاطمه (س)، ۱۲ ظهر، ۱۳۹۴/۶/۱۴،

<http://hayaa.ir>

۶۸. مقاله رفتار شناسی فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، ۱۰ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۴،

<http://www.tebyan.net>

۶۹. مقاله دعا در رفتار و گفتار فاطمه زهرا (س)، ۱۰ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۴،

<http://www.t-pasokhgoo.ir>

۷۰. مقاله آداب روزه داری در سیره حضرت زهرا (س)، ۱۱ صبح، ۱۳۹۴/۶/۱۳،

<http://www.ghatreh.com>

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.